



نگاهی گذرا به زندگی نامه
با تأکید بر دوره های نمایندگی مجلس
دکتر محمد حسین فرهنگي

نماینده مردم تبریز، آذرشهر و اسکو
در دوره های هفتم، هشتم و نهم.
عضو هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی



این سخن را همیشه گفته ام، و برای رسیدن بدان
تلاش می کنم:

امیدوارم کشورمان به جایگاهی برسد که ملت عزیز و
قدرشناس ما در هر جا که هستند، به پیشرفت های
کشورشان و مدیریت مدیران خود افتخار کنند و در
برابر ملت های دیگر سربلند باشند.
اعتقاد راسخ دارم که تحقق آن، دور از دسترس
نیست.



بهای این مجموعه، مطالعه آن است
و توصیه مطالعه آن به دیگران، باعث سپاس فراوان

زندگی نامه

با تأکید بر دوره های نمایندگی مجلس

مقدمه

در دوره های مختلف، جزئیات زندگی ام را برای کسی تعریف نکرده بودم. اعتماد به نفسم همیشه بالا بوده، اما خودپسند نیستم و از تعریف چندان خوشم نمی آید. به همین دلیل خیلی اهل عکس گرفتن از خودم، خاطره نویسی و حدیث نفس نبوده ام. بعضی ها یک هفته به مناطق جنگی می رفتند و چند آلبوم عکس با خود می آوردند. در نزدیک 5 سال حضور در جبهه تنها تعداد معدودی عکس وجود دارد که همه آنها را هم دوستانی زحمت کشیده و بعدها داده اند. حال نیز، دلیل آن که با این سبک زندگی ام را بر همگان آشکار می کنم این است که ذاتاً ابهام را نمی پسندم. مردم و موکلان علاقه دارند از کم و زیاد زندگی سیاسیون بویژه نمایندگانشان اطلاع داشته باشند. گاهی برخی جوانان پی بردن به راه و چاه حرکت به سمت افقهای بالاتر در زندگی خود را از زندگی نمایندگانشان جستجو می کنند. بارها جوانان همین را پرسیده اند. توصیه هایی کرده ام اما در پایان، همین زندگی نامه را خواسته اند. حال فرصتی است تا آنچه را که تاکنون انجام نداده بودم، با ترتیبی نسبتاً مشروح اظهار دارم.

آغاز زندگی

به سال 1340 در خانواده ای روحانی در شهر تبریز چشم به جهان گشودم. پدرم، که به خاطر محل تولد، به اقای بستان آبادی معروف بود، اندکی قبل از تولدم، پس از سالهای طولانی تحصیلی و تهذیب نفس در حوزه علمیه، به تبریز آمده بود. او و

مادرم هردو اهل روستایی نزدیک بستان آباد بودند. قبل از من پسری با نام محمد متولد شده و از دنیا رفته بود. بعد از من نیز فرزند پسر دیگری متولد شد که عمر او نیز به دنیا نبود. اسم او حسین بود. شناسنامه مرا با تأخیر گرفتند و اسم من شد محمد حسین. مرحوم پدرم می گفت مرتب بیمار می شدم و مشتری ثابت یکی از پزشکان متخصص اطفال و داروخانه های طوس و کیهان در خیابان طالقانی تبریز بودیم. می گفت بارها نا امید شدیم و برخی از آشنایان نیز قطع امید کرده بودند. مرحوم مادرم بانوی مهربان، باکفایت و متدینی بود. در عمر کوتاه خود با سختهایی زیادی ساخته بود. زیاد تشویقم می کرد و مرا مرد کوچک خطاب می کرد. می گفت بالام، بالا کیشی دی. به یاد دارم در ایام محرم که رادیو هم نداشتیم، با صدای عزاداریهای شبانه که از خیابان به گوش می رسید، اشک می ریخت و عزاداری می کرد. مادرم که در 9 سالگی ام، در سن جوانی بر اثر سخته مغزی از دنیا رفت، فرزند پسر دیگری نداشت. بنابراین در همان دوران کودکی شدم نفر دوم خانواده. بسیاری از کارها را پدر نمی توانست انجام دهد و آنها را انجام می دادم. در آن دوران که رژیم شاهنشاهی حاکم بود، فضای سنگینی علیه متدینان بویژه روحانیان حاکم بود. از خریدن نان گرفته تا بردن ظرف زباله تا محل تخلیه زباله ها و انجام کارهای اداری و بیشتر خریدهای خانه در کنار بازیگوشیهای کودکانه در محله همه را انجام می دادم و در مدرسه ابتدایی مهندس دانشور تحصیل می کردم. با آن که وضع مالی خوبی نداشتیم، در اثر روحیات پدر و مادر هیچگاه عقده ای نشدم و از مناعت طبع بی بهره نبودم.

بعدها که پدرم همسر دیگری اختیار کرد، صاحب برادران و خواهران دیگری شدم. همه برادرانم دو اسمی هستند و محمد اول نام هر کدامشان را متبرک کرده است. یکی از آنان (محمدجواد) جوان عارف و شوریده احوالی بود که در فتنه سنگین سال 78، روز بیستم تیرماه در تبریز به شهادت رسید. محمدجواد زمانی که 17 ساله بودم به دنیا آمد. همان سال، انقلاب اسلامی هم به پیروزی رسید. بنابراین همسال و همزاد انقلاب بود و برای تداوم آن عاشقانه در صحنه دفاع حاضر شد و جان خود را فدا کرد.

دوره نوجوانی

از همان سال اول ابتدایی دانش آموز درس خوانی بودم. معلمان و معاونان و مدیران مقاطع کودکی و نوجوانی جایگاه خاصی برایم قائل بودند. در کلاس اول ابتدایی آموزگار در یک تنبیه عمومی چوبی بر کف دستم نواخت. درد وجدانش او را واداشت تا پایان سال چند بار عذرخواهی کند. بعد از آن تنبیه نشده بودم تا در دوره راهنمایی معاون مدرسه در شرایط مشابهی تکرار کرد. همانجا اعتراض کردم. تا سالها معاون مذکور از کارش ناراحت بود. اینها باعث نمی شد نوجوان بچه مثبت و گوشه گیری به شمار بیایم. اتفاقاً بسیار اجتماعی و مشارکت جو بودم. جثه درشتی نداشتم تا مبصر کلاس شوم اما مسؤول کتابخانه یا سرگروه فعالیتهای داوطلبانه هنری و فرهنگی و فوق برنامه ها می شدم. در محله، پای ثابت تیمهای فوتبال کوچه و یا سایر بازیهایی که با توپهای کوچک و بزرگ بازی می شد، بودم. فوتبال، والیبال، تیله و گردو بازی، هفت سنگ، قائم موشک، گل یا پوچ، دوز بازی، الک دولک، وسطی، از جمله بازیهایی بود که به آنها علاقه داشتم. البته هر جا پای شرط بندی در برد و باخت پیش می آمد، کنار می کشیدم و از این جهات بچه مثبت به شمار می آمدم. همبازیها در این قبیل مواقع می گفتند فلانی اهل این کارها نیست، او را رها کنید. صدای ریزی داشتم و در بازی زیاد داد می زدم. گاهی زنان همسایه از سروصدایم به مادرم شکایت می کردند. اما هیچگاه شرارت نمی کردم و از کسانی که شرور بودند یا زور می گفتند، بدم می آمد. در دوره راهنمایی و در مدرسه به پینگ پنگ و کتابداری و روزنامه دیواری و چند فعالیت جانبی دیگر علاقه داشتم و در مدیریت فعالیتهای فوق برنامه ها به مسؤولان مدرسه کمک می کردم و امین آنها بودم. کلید برخی اتاقها و کمدها را می سپردند تا سر موقع وسائل و امکانات را تحویل دهم.

مجلات مخصوص نوجوانان و جوانان را مرتب می گرفتم و می خواندم. به مطالعات عمومی هم علاقه زیادی داشتم.

همزمان به چند هیأت مذهبی هم می رفتیم. برخی از آن بزرگترها بود و چند مورد هیأت نوجوانان. در یکی از آنها صحبت و تدریس مانندی داشتیم و در مسائل مدیریتی اش هم کمک می کردم. با چند هیأت مشابه در محلات دیگر هم ارتباطهایی داشتیم و در جلساتشان شرکت می کردیم.

قبلاً به پیگیریهای امور خانه هم اشاره کردم. در همین دوران پدر بزرگوام که از تعمیر خانه کلنگی به تنگ آمده بود، خواست خانه را نوسازی کند. آن زمان شهرداری تبریز منطقه بندی نشده بود و همه امورات از همان محل واقع در میدان ساعت مدیریت می شد و برای خودش بایگانیهای پیچیده و بوروکراسی خاصی داشت. دنبال کارها که می رفتیم، در شهرداری همه شناخته بودند و می گفتند پسر کوچولو آمد. آن موقع در دوره راهنمایی و در مدرسه امین درس می خواندم. معمولاً با ماشین می آمدند و مهندس ناظر را برای سرکشیهای مختلف می بردند. من هم که پیاده می رفتیم، مهندس ناظر، که انسان باخدایی بود، استثنائاً با ماشین خودش می آمد یا با دیگران که می رفت، سر راه به کارما هم سری می زد. کارگر با وجدانی برایمان کار می کرد به نام مشهدی محمدعلی. به اندازه چند نفر کار می کرد و کمی بیش از دیگران دستمزد می گرفت. در مجلس هفتم که بیمه کارگران ساختمانی را پیگیری می کردم، همیشه مشهدی محمدعلی جلو چشمانم بود. چند سال بعد بیمار شد و در بستر افتاد و اتراق شد. کم و بیش کمکش می کردند و با دردسرهای ناراحت کننده ای زندگی می کرد. در عوالم نوجوانی با خود می گفتم او چه تفاوتی با کارگران کارخانه ها دارد که آنها در شرائط مشابه مورد حمایت هستند ولی اینان و باربران و کشاورزان و برخی اقشار زحمتکش دیگر چنین نیستند و همیشه نگران فردا و فراداهایشان هستند و خانواده آنان همیشه در اضطراب.

علاقه جدی به معنویت و آموزه های دینی

با آن که پدرم سختگیری نمی کرد، از همان نوجوانی احساس مسؤولیت جدی در زمینه های دینی داشتم. در دوره راهنمایی، در مدرسه امین، معلم دینی داشتیم که می گفتند بهایی است! و صحبتهای نادرست و بی ربطی می کرد. مرتب با او بحث می کردم. بعضی اوقات در خانه آنها را می گفتم و پدرم تشویقم می کرد و بعضی اطلاعات را یادآور می شد. از من خوشش نمی آمد اما چون دانش آموز زرنگی بودم خیلی سر به سرم نمی گذاشت و گاهی که پرت و پلا می گفتم، نگاهی هم به سمت من می انداخت. حدود ده - یازده سالگی شروع کردم به نماز خواندن. از روی کتاب دینی معانی الفاظ را یاد گرفته بودم و با توجه به معانی آنها را می خواندم. یادم است اولین نمازی که خواندم، در پایان رسیدم به سلام دوم: السلام علینا و علی عبادالله الصالحین. یعنی درود بر ما و بندگان صالح خدا. ماندم که بگویم یا نه. چون خیلی شیطنت می کردم، با خودم گفتم من که بنده صالح نیستم، حق ندارم بر خودم نیز سلام کنم. همواره به آن نمازم غبطه می خورم. پدرم، با آن که در حد اجتهاد تحصیل کرده بود، با زهد و تنگدستی زندگی می کرد. از بسیاری امکانات بی بهره بودیم. بعضی غذاها را که همسالانم روزانه می خوردند ما فقط بر سر افطار بعضی روزهای ماه رمضان و روز عید نوروز، عید قربان و عید غدیر می خوردیم. همان رویه را در سالهای پس از انقلاب و تا پایان عمر ادامه داد. در سال 74 هنگامی که به رحمت ایزدی پیوست، بر روی یکی از ردیفهای قفسه کتابهایش داخل پاکتی تنها ده هزار تومان پول نقد باقی گذاشته بود. او به مجالس روضه منازل هم نمی رفت و عالمی باسواد و دارای فضل فراوان بود.

تشنگی و جستجوگری در جوانی

به تدریج متوجه مسائل جدی تری می شدم. ظلمی که بر مردم می رفت و بسیاری سخنان در گوشه مردم و سخنانی که برخی با پدرم می گفتند و شرائط خاصی که در کشور به وجود آمده بود، روح نا آرام مرا فعالتر می کرد. اوائل توجه نداشتم که ارامشی دارم در عین طوفان پرتلاطم درونی (که من خموشم و او در فغان و در غوغاست). تا آن که برخی از اطرافیان و دوستان یادآوری کردند. از جمله بعدها در دوره مدیریت، یکی از اساتید فاضل که از تهران می آمد و آشنائی خاصی با من نداشتم، در میان جمع همین را گفت و افزود قدر این روحیه را بدان. چند سال قبل از انقلاب با شخصیت امام خمینی و مبارزات شخصیت‌هایی مانند مرحوم آیه الله طالقانی و شهیدان غفاری و سعیدی آشنا شدم. به کتابهای رمان هم علاقه داشتم. آثار شهید مطهری و کتابهای دکتر شریعتی را هم می خواندم. خیلی مطالعه می کردم و علت این که در زمینه های مختلف اطلاعات گسترده ای دارم، مربوط به همین روحیه است. موقع غذا خوردن و قبل از خواب هم کتاب می خواندم. به فلسفه، روانشناسی، جامعه شناسی، مدیریت، مسائل حقوقی و مباحث دینی علاقه مند بودم و کتابهای این موضوعات را تا جایی که می فهمیدم، می خواندم. دوردور به عمران و معماری هم علاقه داشتم. با افکار مارکسیستی که به سرعت بین جوانها رائج می شد مخالفت می کردم و خلاصه اوضاعی بود: از جلسات مناظره بر سر خیابانها و چهارراهها گرفته تا مدرسه و برخی جلسات خانگی این گفتگوها برقرار بود.

به تدریج مسجد شعبان با محوریت مرحوم شهید قاضی طباطبایی، شد محل اجتماعات انقلابیون. با چند نفر از دوستان مرتب به مسجد شعبان که پاتوق انقلابیون بود می رفتیم. در تظاهراتها شرکت می کردیم. با همکاری چند نفر از دانش آموزان در مسیرهای پر تردد خیابان امام خمینی فعلی راه پیمائیهای دانش آموزی راه می انداختیم و علیه رژیم شعار می دادیم. پلیس بارها به این راه پیمائیهها حمله کرد و بعضی از دوستانم مصدوم شدند. خودم هم بی نصیب نماندم. در این دوران برخی از دوستانم به گروههای مارکسیستی و مجاهدین خلق گرایش پیدا کردند و از بین رفتند و هرگاه آنها را بیاد می آورم، متأثر می شوم. یکی از آنها از دوستان هیأتی بود که در مسجد دیزج (مسجد ولایت فعلی) واقع در محله حکم آباد فعالیت می کرد و به زیبایی قرآن می خواند. هرکار کردیم نتوانستیم او را از این بی راهه باز داریم.

انقلاب اسلامی و بعد از پیروزی آن

در سالهای 55 و 56 که رژیم طاغوت ظلم را به حداکثر رسانید. در جریان مستقیم مبارزه قرار گرفتیم. تکثیر اعلامیه ها و نوارها و توزیع آنها، شرکت در سازماندهی دانش آموزان انقلابی، حضور فعال در مراسم شبانه ی مسجد شعبان و تظاهراتهای مختلف مانند 29 بهمن تبریز، سرانجام به پیروزی انقلاب اسلامی منتهی شد. هنگام پیروزی انقلاب در دبیرستان مهر که در داخل کوچه ای واقع در خیابان ارتش بود، تحصیل می کردم. در آن سالها کمونیستها و گروهکهای دیگر، به دلیل آمادگیهای سازمانی کلیه مدارس را در کنترل خود در آورده بودند و به دلیل فعالیتهای ما و از جمله دوست نزدیکم شهید سعید فقیه، تنها مدرسه مهر در اختیار نیروهای مذهبی بود. گاهی سر صف برای دانش آموزان سخنرانی می کردم. وضع دبیرستانهای دیگر خوب نبود و گروههای مارکسیستی و مجاهدین خلق اکثر آنها را در کنترل خود گرفته بودند. مدتی قبل از شروع سال تحصیلی 58-59 شورای مرکزی مستقر در دبیرستان باهم تصمیم گرفتیم هرکدام به یک مدرسه دیگر برویم و من رفتم به دبیرستان منصور که همان سال نامش به دبیرستان طالقانی تغییر کرد. اول مدیر مدرسه نمی پذیرفت و بالاخره پذیرفت. مرارتها زیاد کشیدیم تا آن فضا تغییر کرد. همان روز اول اطلاعیه ای دادیم و اعلام موجودیت کردیم. از دبیرستانهای دیگر یارگیری کردیم. شاخه دانش آموزی مجاهدین خلق (که بعدها مردم به خاطر فعالیتهای تروریستی مردم آن را سازمان منافقین نامگذاری کردند)، فعالتر از بقیه بود. برایم چند نفر بیا گذاشته بودند تا زیر نظر داشته باشند. به بهانه های مختلف مدرسه را تعطیل می کردند. با این بلیشو، سال آخر هم بودم و رشته دبیرستانیم هم ریاضی فیزیک بود. بالاخره موفق شدیم در همان سال فضا را تغییر دهیم. امام گفته بودند که مدارس و کارخانجات را تعطیل نکنند و گروهها هر روز به بهانه ای آنها را تعطیل می کردند. ابتدا شعاری، بیشتر صنفی، را می دادند و اقدام به دور زدن محوطه حیاط دبیرستان می کردند و بعد از مدرسه خارج می شدند و به سمتی که هماهنگ شده بودند، می رفتند. تصمیم گرفتیم ما هم تظاهراتی را سامان دهیم. با آن

که فکر می کردیم تعدادمان کم خواهد بود، به محض حرکت آنان ما هم با شعار "این گفته امام است، تحصن - اعتصاب حرام است" راه افتادیم. جمعیت ما به سرعت اضافه شد و از آنها بیشتر شدیم. جلو در خروجی که رسیدیم، ایستادیم و حرکت نکردیم. آنها هم کمی شعار دادند و رفتند سر کلاسها. معلوم شد اکثر دانش آموزان از این که کلاسها مرتب تعطیل می شوند، ناراحت بودند و حرکت ما را به فرصتی برای اظهار وجود تبدیل کردند. جایگاه دانش آموزی کانون ما هم بطور جدی تقویت شد.

از شرح مفصلتر این مقطع می گذرم.

کانون نهضت اسلامی

به همراه جمعی دیگر از دوستان، سازمان دانش آموزان مسلمان تبریز را بنا نهادیم که به سرعت در سطح شهر تبریز فراگیر شد و پس از چند سال در اتحادیه انجمن های اسلامی که با تهران ارتباط داشتند، ادغام گردید. با شورای مرکزی مرتب خدمت آیه الله شهید مدنی می رسیدیم و گزارش کارهایمان را می دادیم. الان که از آن ایام یاد می کنم، خجالت می کشم که چگونه ما، چند نفر نوجوان، وقت آن مجتهد مجاهد را می گرفتیم. ایشان با دقت گوش می کرد و راهنماییهایی ارائه می نمود. یک بار نزدیک ایشان نشسته بودم. دستش را بر سرم کشید و گفت شما فرزندان عزیز من هستید. یک بار در همان جلسات به ما فرمود مراقب تحرکات کجروانه برخی افراد وابسته به انجمن حجتیه هم باشید. در حالی که در آن اوضاع برای ما اصلاً مطرح نبود.

همزمان در کانون نهضت اسلامی که در برگزیده نیروهای اصیل انقلاب در تبریز بود، فعالیت می کردم و مرکزیت سازمان را هم ابتدا همانجا مستقر کردیم و بعدها محلی در نزدیکی چهارراه منصور (شهید بهشتی فعلی) با کمک برخی از بزرگترها اجاره و هزینه های آن تأمین شد. در سالهای اول انقلاب، ابتدا، امنیت داخلی به خاطر آشوبهای گروهها، و سپس استقلال و تمامیت ارضی کشور در اثر تهاجم عراق مورد تهدید قرار گرفت و اولویت اول کشور دفاع همه جانبه بود. در آن شرایط خیل جماعت متعهد، به سپاه (و جهاد) پیوستند. من هم به عضویت سپاه در آمدم. اکثر مسؤولان فعلی کشور و استان در آن هنگام در سپاه و جهاد بودند. بخش قابل توجهی از عمر خدمتی و مسؤولیتم در سپاه بوده است. هیچ وقت تسلیم شرایط حاکم نمی شدم و سعی می کردم بر شرایط موجود تأثیر بگذارم. در آموزش سپاه فعالیت می کردم و در دوره های آموزشی، در منظریه و خاصان و جاهای دیگر و در سطح هسته های مقاومت که بعدها نامشان به پایگاه تغییر کرد، تدریس و سخنرانی داشتم.

دوران دفاع مقدس

اندکی پس از تشکیل سپاه، در آن عضو شدم. همانطور که گفتم، به دلیل مطالعات گسترده و بیان نسبتاً خوبی که داشتم در جلسات بسیج و برخی جلسات عمومی و هیئت های مذهبی هم سخنرانی می کردم. نشریه ای را در سپاه راه اندازی کردیم که در حد خود نشریه قابل قبولی بود و با جلد رنگی چاپ می شد و برای خودش عالمی داشت. یک بار به همراه شهید بهرام سرخیر خیابانی رفتیم برای تهیه گزارش از وقایع گنبد. در آنجا درگیری شدیدی در جریان بود. هوا هم سرد و برفی بود. با اتوبوس که می رفتیم، نرسیده به میانه اتوبوس ما چپ شد و در آستانه سقوط به دره متوقف گردید. کوفتگی شدیدی داشتیم و وسائلمان را به زحمت از میان برفها جمع کردیم. بهرام می گفت برگردیم و من مخالفت کردم. با هر مکافاتی بود رفتیم. وارد شهر که شدیم، چون مشکوک می زدیم، نیروهای سپاه با عملیات چریکی! ما را دستگیر کردند. به زحمت توانستیم ثابت کنیم که از خودشان هستیم و بعد ماشین و راهنما دادند و گزارشمان را تهیه کردیم و بعد از بازگشت چاپ کردیم.

در همین ایام بود که جنگ شروع شد. روز اول جنگ، فوراً در سپاه جلسه ای تشکیل شد برای مراقبت از مناطق حساس. بنده هم همراه جمعی از دوستان به خاطر اهمیت و حساسیت بالا رفتیم رادار تبریز. یکی دو هفته آنجا بودیم. رادار و پالایشگاه

چندین بار بمباران شد و چندین هواپیمای عراقی سرنگون شد و بعضاً خلبانانشان را گرفتیم. خاطرات شنیدنی زیادی از آن ایام در ذهن دارم که از بیان آنها می گذرم. شهید سعید فقیه هم با من آمد سپاه و از همان روزهای اول رفت جبهه. ما را هم با استدلالهای مختلف مدتی پشت جبهه نگه داشتند.

بعدها با سماجت فراوان و با وجود موانع و مشکلات زیاد، دبیرستان سپاه تبریز را راه انداختیم. یک بار با زحمت یک ماه رفتیم لشکر عاشورا و بعد از پایان مأموریت باز گرداندند. همان ایام با این که سرماخوردگی شدیدی داشتیم و برف شدیدی هم می بارید، رفتیم و برای اولین بار در کنکور شرکت کردم. بعد با اصرار 25 روز حکم مأموریت گرفتم و رفتم لشکر. همان ابتدا با شهید آقا مهدی باکری صحبت کردم که من نمی خواهم برگردم و او هم قول داد حمایت کند. با همان حکم 25 روزه تا پایان جنگ، نزدیک پنج سال ماندم در لشکر.

می خواستم بروم گردان یا یکی از واحدهای رزمی. شهید باکری اصرار می کرد در ستاد باشم و می گفت اینجا بیشتر مشکل داریم. شدم مسؤول واحد فرهنگی لشکر. یکی دو بار با بچه های اطلاعات رفتیم شناسایی. متوجه شدم استعداد خوبی برای این کار ندارم. مسیرها را اشتباه می کردم. دیدم اگر ادامه دهم ممکن است جان بچه ها را به خطر بیندازم و از ادامه منصرف شدم. گردانها هم منوط به نظر فرماندهی می کردند و ایشان مخالف بود. سعی کردیم واحد خودمان را رزمی تر کنیم. دوستان را در خطوط پدافندی مستقر کردیم و سعی کردیم فضای نامناسب بین ستاد و صف را که دارای فاصله زیادی بود، تلطیف کنیم.

بعد از شهادت شهید باکری مرا آوردند ستاد لشکر به عنوان جانشین رئیس ستاد. به سرعت ستاد رزمی تشکیل دادیم و ایده ای را که داشتیم در سطح کلیه واحدهای ستادی توسعه دادیم. در عملیتهای کربلای چهار و بعد از آن شدیم جزو واحدهای عملیاتی و آن فاصله بطور کلی از میان رفت. ستاد تیپها دیگر در عقبه ها مستقر نمی شد و همراه تیپ می رفت. شهید احد مقیمی که در عید غدیری با هم صیغه اخوت و برادری خوانده بودیم، برادری عارف، باصفا و رئیس ستاد تیپ یکم بود که در عملیات کربلای پنج به شهادت رسید. از عنایات الهی و حکمتهایش در این دوره، مطالب فراوانی در ذهن دارم که برای رعایت اختصار از بیان آنها می گذرم. بالاخره جنگ به شرایط جدیدی رسید و به متارکه انجامید.

تحصیلات و مطالعات

چند ماه از کنکوری که بدان اشاره کردم، گذشته بود. از نظر خودم برای آزمایش کنکور داده بودم و نتایجش را پیگیری نمی کردم. سه رشته اعلام شده بود و هر کس با هر دیپلمی می توانست در آنها شرکت کند. یکی پزشکی بود که تجربی نخوانده بودم و عملاً نتیجه ای نمی گرفتم، دیگری که با رشته ام، ریاضی- فیزیک، سازگاری داشت، کشاورزی بود و من بیشتر رشته عمران را مد نظر داشتم. سومی الهیات بود. مطالعات گسترده شخصی ام باعث شد در این رشته شرکت کنم تا بینم فضای کنکور چگونه است. همه دیپلمه های علوم انسانی هم که دروس مرتبط را گذرانده بودند، در همین رشته شرکت کردند. فقط در دانشگاه تبریز در سالنهای مختلفی، صدها نفر برای مجموع ظرفیت دویست و پنجاه نفره دانشگاههای تهران و فردوسی مشهد در این رشته رقابت می کردند. بنابراین چندان امیدی هم به نتیجه نداشتیم. اما زمان برگزاری کنکور توجه داشتیم با اعتماد به نفس و تسلط خوبی گزینه ها را انتخاب می کنیم. تستهای عربی و هوش را که بعدها فهمیدم از نقاط ضعف اغلب شرکت کنندگان است، بسیار خوب پاسخ دادیم. بعد از چند ماه و در شراطی که در حال اعزام به همان مأموریت 25 روزه! بودم، یکی از دوستان که در همان رشته کنکور داده بود، به من تبریک گفت. گفتم چه تبریکی؟ گفت مگر خبر نداری، قبول شده ای. روزنامه اش را داشت و آورد دیدم راست می گوید و از دانشگاه تهران قبول شده ام. چون انگیزه ای برای تحصیل در آن رشته نداشتیم پیگیری نکردم و رفتم لشکر. سال بعد تب کنکور بین رزمندگان هم بالا گرفت، سهمیه هم در کار بود و تصمیم گرفتم برای رشته عمران یا معماری شرکت کنم. واحد ما مسؤول بود مدارک رزمندگان را جمع آوری کرده و به قرارگاه بدهد. با زحمت مدارک را تهیه و به برادر متصدی این کار، که در واحد خودمان بود، دادیم. همان ایام برای مرخصی آمده بودم تبریز. به ذهنم آمد اگر قبول شدم باید چه کنم. جنگ را رها کنم و به درس بپردازم یا با چه روشی تحصیل نمایم. تردید جدی شد و به مرحوم پدرم گفتم استخاره ای بکند. استخاره بسیار بد آمد. از همانجا با دوست متصدی این کار در لشکر

تماس گرفتیم و از او خواستیم مدارک مرا نفرستد. تعجب کرد و ناراحت شد و خواست منصرفم کند. اصرار کردم و نفرستاد. استخراج ای هم داشتیم که رشته قبلی را ادامه دهم یا نه. این یکی خوب بود اما گفته شد مشکلات و موانعی دارد. موقع برگشت از مرخصی رفتم تهران. با موانع زیاد اداری روبرو شدم اما سرانجام به دلیل آن که از زمان بعد از اعلام قبولی در جبهه بودم، پذیرفتند که ثبت نام کنم. همان دوستی که خبر قبولیم را داده بود، سال بعد قبول شد و آمده بود همان دانشکده، مباحث و جزوات درسی را برایم می فرستاد و با گواهی جبهه در امتحانات پایان ترم شرکت می کردم و نمرات خوبی هم می گرفتم. مسائل زیادی هم در این دوران پیش آمد که از بیان تفصیلی آن نیز می گذرم. بعد از جنگ لیسانس را گرفتم. در اولین کنکور ارشد که شرکت کردم، بدون استفاده از سهمیه رزمندگان و یک ضرب از دانشگاه تهران قبول شدم. هم زمان کارم را به مرکز تحقیقات سپاه انتقال دادم و دوره ارشد را نیز با موفقیت پشت سر گذاشتم.

بعد که به تبریز برگشتم، به رشته مدیریت علاقه مند شدم و دوره کارشناسی ارشد مدیریت دولتی را نیز در مرکز آموزش مدیریت دولتی تبریز گذراندم. در دوره ای که عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی بودم، در کنکور دکتری علوم و تحقیقات تهران شرکت کردم و باز هم بدون این که نیاز به سهمیه رزمندگی باشد، پذیرفته شدم و این دوره را نیز به پایان بردم. تألیفاتی هم داشتم. تألیف کتاب انقلاب اسلامی، ریشه ها و پیامدها، جزوات مختلف درسی و مقالات علمی مختلف از جمله فعالیت‌های علمی این دوره بود که البته تداوم آن به دلیل اشتغال تمام وقت به کار نمایندگی مردم بسیار کند شد. در این دوران مجوز نشریه ای محلی را هم گرفتم که میثاق نام داشت. یک سال خودم اداره می کردم و بعد به دلیل اشتغالات زیاد، برادر دیگری ادامه داد. بعد از دوره نمایندگی مدیر مسؤولی آن به برادر آزاده ای سپرده شد.

دوره مسؤولیت در لشکر عاشورا

و مسؤولیت بسیج استان

ضمن مطالب قبلی به مسائل دوره جنگ بطور گذرا اشاره شد. بعد از جنگ و مدتی که در مرکز تحقیقات بودم، دوباره در سمت رئیس ستاد لشکر کار را شروع کردم. با توجه به روحیه خوب و دید بازی که فرمانده لشکر داشت، شرکتهایی تأسیس شد و یکی از برادران موفق و فعال سپاه شد شهردار تبریز. بازگشائی منطقه مرکزی شهر در مقابل بانک ملی و حذف خیابانی که نامش قبل از انقلاب شاه بختی بود، و اماکن اطراف آن گره کوری را باز کرد و پروژه های متعددی با مدیریت ایشان و البته با مساعدت لشکر انجام شد که یکی از آنها اجرای کنار گذر شمالی، در منطقه ای سخت و کوهستانی، با دست خالی و بدون اعتبار کافی بود.

برای حفظ آثار دفاع مقدس نیز گامهای خوبی برداشته شد که آغازگر و مجری آنها بودم، البته در حد مدیریت، و گرنه کار را دوستان با ایثارگری فراوان انجام می دادند. یکی از آنها انتشار نشریه ای بود که قبلاً اشاره شد. دیگری برگزاری کنگره سرداران شهید آذربایجان بود که آثار گسترده ای داشت. آثار مکتوب با ارزش و ماندگاری پدید آمد. ورزش دوستان شیرینی مسابقات ورزشی جام سرداران شهید آذربایجان، بویژه تورنمنت زیبای فوتبال را فراموش نکرده اند که چند سالی هم ادامه یافت. پیش بینی ها و طراحی اولیه پارک موزه دفاع مقدس در شرق شهر تبریز با کمک شهرداری و امکانات و اعتبارات دولتی نیز از این موارد بود. در حوزه های نظامی نیز با ابلاغیه های مرکزی اتفاقات مهمی رخ داد که جای بیان مشروح آن در این مقال نیست. اجمالاً این که یگان به سرعت تقویت شد و قابلیت‌های فنی، مهارتی و تجهیزاتی گسترده ای یافت.

بعد رفتم بسیج که نحوه رفتن به آن هم داستانی دارد. در مسؤولیت فرماندهی بسیج که آن زمان سپاه استان گفته می شد، میدان ابتکارات گسترده تر بود. شروع به توسعه کمی و کیفی بسیج کردیم. به بهانه های مختلف ساختارهای توسعه ای ایجاد

کردیم. محلات را که با اقشار مرتبط نبودند به هم ارتباط دادیم، از کادرهای قوی در رده های مقاومت استفاده کردیم، فعالیت برخی از رده ها را باز تعریف کردیم، بعضی از گروههای مردمی - فرهنگی فعال در شهر که رابطه خوبی با سپاه نداشتند، کاملاً همراه و همسو شدند و ...

از سوی دیگر با شرائطی که بعد از دوم خرداد 76 پدید آمده بود، مواجه شدیم. توسط برخی رسانه ها، موضوع ولایت فقیه بطور جدی در افکار عمومی زیر سؤال می رفت. کتابچه ای با موضوع (ولایت فقیه حاکمیت اندیشه اسلامی است، نه حاکمیت فرد) نوشتیم و در رده های مقاومت توزیع کردیم. سعی می کردیم شبهات را پاسخ دهیم. تا این که حادثه 20 تیر تبریز پیش آمد و فصل جدیدی در افکار عمومی باز شد.

در بسیج دانشجویی مرکز خلایق پیش آمده بود و مرا بدان سمت منصوب کردند. از همان روز اول، تحول گرایانه کار را شروع کردم. متوجه شدم انتظاری که دارند یک کار اداری است و این، با روحیه بانشاط، فعال، چالشگر و مشارکت جوی دانشجوی سازگار نیست. با هر زحمتی بود، آدم بیرون و بعد از ماجراهای مجلس ششم، به دانشگاه رفتم.

حضور در دانشگاه

از قبل در دانشگاه تدریس می کردم. همینجا اشاره کنم که از حدود چهارده سالگی (در کانون قرآن تبریز) تا کنون از تعلیم و تعلم باز نمانده ام، هرچند محیط ها و شرائط متفاوت بوده اند. از سال 79، شدم عضو هیأت علمی دانشگاه ازاد اسلامی. این دوره نیز مانند دوره حضور در سپاه دوره جالب و زیبایی بود. سر و کار داشتن با جوان، حال و هوای خاصی دارد. ابتدا دروس عمومی تدریس می کردم و به تدریج متمرکز شدم در رشته حقوق و شدم عضو هیأت علمی این گروه. خاطرات زیادی از این دوره دارم. موفق شدم جزوات آموزشی مختلفی تدوین کنم و مقالاتی بنویسم. انتشار کتاب "انقلاب اسلامی، ریشه ها و پیامدها" محصول همین دوران است. در تدریس و امتحان جدی بودم و وقت دانشجویانم را تلف نمی کردم. سخت گیری بی مورد نیز نداشتم. موارد زیادی بود که دانشجویی در زمان برگزاری کلاس احساس می کرد سختگیری می شود و بعد از مدتی می گفت دانستم که احساس درستی نداشته ام و مطالب خوبی آموختم.

برخی سوابق قبل از نمایندگی مجلس

بنابراین و با توجه به مروری که داشتم، برخی از سوابق به این شرح است:

- 1- قائم مقامی و ریاست ستاد لشکر عاشورا در دوران دفاع مقدس و سالهای پس از آن
- 2- فرماندهی سپاه بسیج استان آذربایجان شرقی
- 3- رئیس ستاد برگزاری کنگره سرداران شهید آذربایجان
- 3- رئیس هیات مدیره تیم فوتبال فجر عاشورا (که در آن دوره به لیگ یک کشوری راه یافت و تا این سمت را داشتم، برای سال بعد هم در لیگ یک ماند)
- 4- مسؤولیت پیگیری تحویل زمین و مطالعات مقدماتی پروژه ی پارک موزه دفاع مقدس
- 5- دبیر کنگره عبرت های عاشورا
- 5- رئیس سازمان بسیج دانشجویی کشور
- 6- تحصیل در 2 رشته دانشگاهی فقه و مبانی حقوق اسلامی (کارشناسی و کارشناسی ارشد در دانشگاه تهران و دکتری تخصصی در واحد علوم و تحقیقات) و کارشناسی ارشد مدیریت دولتی (مرکز آموزش مدیریت دولتی آذربایجان شرقی)
- 7- دبیر منطقه ای دانشگاه ازاد اسلامی (شامل واحدها و مراکز دانشگاهی استانهای آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، کردستان، زنجان و اردبیل)
- 8- عضو هیأت علمی گروه حقوق دانشگاه
- 9- استاد دانشگاههای دولتی و آزاد تبریز

- 10- تألیف کتاب انقلاب اسلامی، ریشه ها و پیامدها و مقالات علمی مختلف و ارائه و چاپ مقالات و یادداشتهای متعدد در زمینه های متنوع و شرکت در برخی کنفرانسهای علمی و آموزشی
- 11- معاون مرکز تحقیقات اسلامی سپاه
- 12- روزنامه نگاری با مسؤولیت صاحب امتیازی و مدیر مسؤولی یکی از نشریات محلی (میثاق) که بعد از نمایندگی مجلس تحویل یکی از برادران آزاده دادم.

حضور در قوه مقننه

بدون آن که بخواهم ادعائی داشته باشم، احساس درونی خود را هنگام آماده شدن برای حضور در صحنه انتخابات مجلس شورای اسلامی در دوره های گذشته چنین توصیف می کنم: انقلابی الهی و اسلامی با رهبریت رهبری توانمند شکل گرفته و بعد از قرنهای حکومتی واقعا مستقل را پدید آورده بود. در آن روزها، انقلاب اسلامی، بعد از نزدیک سه دهه از عمر خود زمینه ساز تحولات گسترده ای از کشورهای مختلف و بویژه کشورهای اسلامی شد که اکنون هم ادامه دارد. در سالهای اولیه، اجراء و تقنین بطور محسوسی تحت تأثیر فشارهای مختلف خارجی و داخلی بود. ایجاد آشوبهای داخلی، تحمیل جنگ 8 ساله و بازسازی تخریبها و آسیبهای آن بعد از جنگ عمده تلاش مسؤولان را متوجه خود می ساخت.

مشکلات بین المللی توسط مخالفان بین المللی جمهوری اسلامی ایران، تدریجاً مدیران سطوح میانی و عالی را به سمتی پیش برده بود که نسبت به مسائل اساسی و اولویتدار داخلی بی تفاوت شده بودند. نسبت به بی عدالتی و فساد کمتر حساسیت نشان می دادند و جز مواردی پراکنده، مسائل علمی و عمرانی نیز در معرض حساسیتهای مدیران و برنامه ریزان نبود. هدایتیهای رهبر معظم انقلاب، زمینه ساز تدوین برنامه چشم انداز بیست ساله کشور شد که توجه به این اولویتهای را در بر داشت. با این وجود، حساسیتهای و اولویت گذاری ها قابل قبول نبود. کارها بسیار کند پیش می رفت، برنامه ای عمرانی تصویب می شد، اما تأخیرهای اجرائی مشکلات جبران ناپذیری به وجود می آورد.

در ایامی که در نهاد انقلابی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مسؤولیت داشتم، به جد احساس می کردم فاصله ای خطرناک بین حاکمیت و مردم در حال پدید آمدن است. نموده های آن در برخی انتخاباتها (اعم از شوراهای اولیه، مجلس و ریاست جمهوری) مشاهده می شد. حرکتهای ذره وار (Atomize) مردم به سمت کسانی که مخالف خوانی می کردند، گرایش قوی نشان می داد. فقدان اعتمادسازی و شرائط ساختاری و نرم افزاری دستگاههای اجرائی چنین وضعیتی پدید آورده بود و تلاشهای دشمنان راه امام و شهیدان گلگون کفن را بیش از پیش تأثیرگذار می ساخت.

در چنین فضایی بود که احساس می کردم باید در جایگاههای تأثیرگذاری مانند قوه مقننه، عملیاتی شدن اهداف چشم انداز و حرکت به سمت توسعه همه جانبه کشور و جلب گسترده اعتماد مردم، در دستور کار جدی تر قرار گیرد. به تدریج فضای عمومی جامعه نیز زمینه چنین حضوری را فراهم می ساخت. بنابراین آنچه اینجانب را واداشت تا برای عضویت در قوه مقننه داوطلب شوم، تأثیر گذاری در فرآیندهای مختلف کشور و اعتماد سازی بین مردم و نظام بود.

مشکل مهمی نیز وجود داشت. به هر جا و هر محل و منطقه ای می رفتیم، بی اعتمادی نسبت به جایگاه نمایندگی مجلس موج می زد. مرتب می پرسیدند چه تضمینی وجود دارد تا نماینده ای سالم، بدون حاشیه و بدون بهره برداری از جایگاه نمایندگی برای خود و اطرافیان باشید؟ مشابه این سوال در جای جای حوزه انتخابیه از شهر تا روستا وجود داشت و مرتب ابراز می شد.

پس از انتخاب توسط مردم تبریز و شهرهای آذرشهر، اسکو، باسمنج، سردرود، خسروشهر، گوگان، ممقان، ایلخچی، شهر جدید سهند و روستاهای اطراف این شهرها، در جریان رقابتی سنگین به عنوان نفر سوم، آن هم با فاصله حدود 1500 رأی از نفر اول و حدود 800 رأی از نفر دوم که هر دو از نمایندگان مجلس قبلی بودند، در چند زمینه تصمیم جدی گرفتیم:

- 1- عضو واقعی قوه مقننه و نماینده عموم مردم باشم نه اشخاص، گروهها، تشکلهای سازمانهای خاص.
- 2- مدافع گسترش عدالت و توسعه متوازن کشور باشم.

- 3- مدافع منطقی، جدی و سرسخت نظام جمهوری اسلامی و همه ارکان آن، بویژه قانون اساسی و ولایت فقیه باشیم.
- 4- وظائف نمایندگی مجلس را مبنا قرار دهم.
- 5- پیگیری عمران و آبادانی کشور، استان، حوزه انتخابیه و پیشرفت همه جانبه آن ها باشیم.
- 6- توجه اصلی خود را به اولویتهای اساسی کشور و حوزه انتخابیه معطوف داشته و تا حد امکان از حاشیه ها و مسائل فرعی بپرهیزم.
- 7- به اعتماد مردم و گروههای اجتماعی وفادار بمانم.
- 8- رابطه مستمر خودم را با مردم حفظ کنم.
- هنگامی که برای مجلس هفتم داوطلب بودم و به نقاط مختلف سرکشی می کردم، موضوعات مختلفی مطرح می شد و مردم از دغدغه های مختلفی صحبت می کردند. از جمله آنها برخی موضوعات ملی و محلی بود که فعالان سیاسی و اجتماعی و عموم مردم را درگیر خود ساخته بود.
- به صورت موردی و مصداقی نیز موضوعاتی در خلال رقابتهای انتخاباتی آشکارتر و ملموستر شد: فقدان عدالت در نظام پرداخت حقوق کارکنان دولت و بازنشستگان، مشکلات جدی در مسائل درمانی مردم بویژه اقشار محروم، ناهنجاریهای موجود در نظام آموزش و پرورش، فقدان انگیزه مناسب در دانشگاهیان و اساتید دانشگاه، مشکلات موجود در نظام قضایی، عدم اعتماد مردم به نمایندگان خود در مجلس، مشکلات اساسی در مدیریت منابع کشور، عدم توزیع عادلانه خدمات و امکانات در مناطق روستایی، ضعف های جدی در پروژه های عمرانی آذربایجان بویژه در سه شهرستانی که کاندیدای نمایندگی مردم آنها بودم و کندی سرعت در توسعه صنعتی استان. البته آن روزها نیز بحث تورم و مسائل اقتصادی، هرچند کمتر از سالهای بعد، مطرح بود که در سطور بعدی از آن سخن خواهیم گفت.
- روزهای اولیه حضور در مجلس به مباحثی مانند مستقر شدن در شهر تهران، تعیین کمیسیون و نظایر آن گذشت. اینجا لازم است نکته مهمی روشن شود. وظیفه نماینده مجلس تنها پیگیری ایده ها و اولویت گذاری های مورد نظر خود نیست. در هر موضوعی که در صحن علنی مجلس مطرح می شود، نماینده مجلس وظیفه دارد به دقت آنها را مورد مطالعه قرار دهد. پیشنهاد بدهد، در مورد اصل و همچنین پیشنهادها در صورت داشتن اطلاعات و نظر، موافقت یا مخالفت نماید و یا حداقل با اشراف به موضوعات مختلفی که مطرح می شود، رأی بدهد. در مورد مسائل مختلف تذکر بدهد، اگر مسأله مهمی پیش آمد، از وزیر مربوط سؤال کند و در کنار همه اینها به گزارشهایی که به دستش می رسد توجه نماید و در حوزه انتخابیه خود حضور یابد.
- به عبارت دیگر باید اوقات خود را بر چهار بخش تقسیم می کردم: پیگیری راهبردهای مورد نظر، تأثیرگذاری بر فرایندهای تقنینی و نظارتی جاری، پاسخگوئی های موردی و حضور در حوزه انتخابیه و پیگیری مسائل شخصی و خانوادگی.
- حال که در سال پایانی دوره سوّم به سر می برم، در هر چهار محور ناموفق نبوده ام، هرچند خانواده ام این ادعا را در بخش چهارم کمتر می پذیرند. به عبارت دیگر احساس آنان بر این است که اقدامات به عمل آمده در محورهای سه گانه اول، مانع رسیدگی کامل به مسائل شخصی و خانوادگی شده است و از نظر آنها، تلاشهایم برای حل این مشکل در دوره های نمایندگی، نتوانسته است این مهم را بطور کامل حل نماید.
- البته در هر چهار بخش یک توجیه کلی قرآنی وجود دارد. ایزد متعال در قرآن کریم می فرماید: لا یكلف الله نفساً الاّ وسعها (یعنی: خداوند متعال بر هیچ انسانی خارج از امکان و توانائیش تکلیف نمی کند). به عبارت دیگر تکلیف ما لا یطاق که عقلاً ناپسند است در دایره تکالیف الهی نیز، وجود ندارد.

برخی سوابق نمایندگی مجلس

- 1- سه دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی
- 2- چهار سال عضویت در کمیسیون حقوقی و قضایی به عنوان نائب رئیس کمیسیون (دوره هفتم)

- 3- عضو شورای مرکزی فراکسیون اکثریت مجلس
- 3- عضو شورای مرکزی فراکسیون روستایی و کشاورزی در هر دو دوره
- 23- عضو کمیسیون ماده 10 قانون فعالیت احزاب
- 24- عضو کمیسیون اقتصادی فراکسیون اکثریت
- 25- عضو هیأت اعزامی به اجلاس اتحادیه ی بین المجالس (ژنو)
- 26- عضو گروه دوستی پارلمانی کشورهای ترکیه و پاکستان
- عضو کمیسیون ماده 10 احزاب با انتخاب نمایندگان مجلس هفتم
- عضو کمیسیون مشترک مدیریت خدمات کشوری در مجلس هفتم
- 2- عضو هیأت رئیسه مجلس در دوره هشتم
- 3- دو سال عضویت در کمیسیون برنامه بودجه و محاسبات (قبل از عضویت در هیأت رئیسه)
- 4- دو سال عضو کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس
- 5- 8 سال عضو گروه دوستی پارلمانی ایران، ترکیه و پاکستان
- 6- عضو شورای عالی اداری با انتخاب نمایندگان مجلس هشتم
- 7- عضو کمیسیون مشترک ارتقاء کیفی خودرو، در مجلس هشتم
- 8- اعلام مواضع صریح و کمتر جنجالی در زمینه های مختلف با رسانه های مختلف
- 9- دیدارهای متعدد با مقامات و هیات های سیاسی و پارلمانی خارجی و مذاکره در مورد مسائل مختلف
- 18- عضویت در هیأت امنای دانشگاههای شهید مدنی آذربایجان، تبریز و علوم پزشکی تبریز در دوره هشتم و دانشگاه تبریز در دوره نهم
- 19- عضویت در هیأت رئیسه مجلس در دوره نهم (مسئول دستور جلسات و مدیریت پیشنهادهای نمایندگان در صحن مجلس)
- 20- رئیس فراکسیون کارشناسی طرحها و لوایح
- 21- نایب رئیس کمیسیون مشترک احکام دائمی برنامه
- 22- نایب رئیس کمیسیون مشترک ساماندهی امور روستاها
- 23- چهار سال عضویت در کمیسیون عمران مجلس در دوره نهم
- 24- نایب رئیس فراکسیون حقوقدانان مجلس
- 25- عضو موسس فراکسیون ضد رکود مجلس

موضوع مهم عدالت و تلاشهای به عمل آمده

همانطور که اشاره کردم، یکی از مسائل گسترده بین مردم، دغدغه و نگرانی از عدالت بود. اهالی روستاها خودشان را فراموش شده و محل تهاجم دستگاههای دولتی و وابسته به دولت می دیدند که برای ارائه هر خدمتی از آنها پول می خواستند، در حالی که همان خدمات، در شهرها به طور رایگان و با کیفیت بالا ارائه می گردید. املاک و زمینهای آنها سند نداشت. علاوه بر بهای آب مصرفی باید برای بهره برداری چاههای آب خود حق النظاره می پرداختند. اگر مریض می شدند کسی به آنها کمک نمی کرد. قبل از نمایندگی مجلس، مراجعاتی داشتم از بیمارانی که در بیمارستان بستری می شدند و برای ترخیص امکان مالی نداشتند و نمی دانستند چه کنند. حتی گاه فوت می کردند و اقوام و آشنایان، مشکل ترخیص پیکر عزیز از دست رفته خود را داشتند. محوطه روستاها فاقد آسفالت بود. برای گاز رسانی باید پول می پرداختند و مشکلات فراوانی از این دست وجود داشت.

بازنشستگان و شاغلان دستگاههای دولتی از بی عدالتی در پرداختها رنج می بردند و سایر شاغلان در بخش کار نیز به شکلی دیگر. احساس بی عدالتی در کشور موج می زد. در مساجد و محافل بطور مستمر فیشهای حقوقی بود که ارائه می شد و مقایسه با افراد مشابه در صندوقهای مختلف بازنشستگی یا دستگاههای مختلف دولتی مورد انتقاد قرار می گرفت. بسیاری از اقشار محروم فاقد پوشش حمایتی بودند و بیمه نداشتند و این آینده آنها را مبهم می ساخت و از حمایتهایی مانند خدمات درمانی محروم بودند. این شرایط نه تنها خودشان بلکه خانواده هایشان را نیز آزار می داد.

برهمن اساس، در مجلس هفتم در کنار موضوعات دیگر موضوع توسعه عدالت را در اولویت قرار داده و پیگیریهای مستمر و جدی را آغاز کردیم. آنچه حاصل شد، نتیجه تلاشها و پیگیریهای موثر بود. در همان روزهای اول قانون الزام دولت به نظام هماهنگ پرداخت برای کارکنان دولت و همچنین بازنشستگان به تصویب مجلس رسید. با پیگیری های نسبتاً طولانی، دولت لایحه مدیریت خدمات کشوری را ارائه کرد. در بررسیها معلوم شد که لایحه نه تنها تأمین کننده هماهنگی در نظام پرداخت نیست، بلکه ناهماهنگی های جدیدی را به وجود می آورد. به همین دلیل با محتوا مخالفت کردیم. دولت هشتم اعلام کرد به جز نظام امتیازی، نظام پرداخت دیگری را تأیید نخواهد کرد و در نتیجه مصوبات مجلس به بن بست برخورد خواهد کرد، زیرا طبق اصل ۷۵ قانون اساسی، شورای نگهبان آن را تأیید نخواهد کرد. در ادامه مقرر شد تا همین نظام را اصلاح کنیم. اینجانب نیز به عضویت کمیسیون مشترک بررسی کننده این قانون در آمدم و در مباحث بطور جدی حضور داشتم و موضوع را پیگیری می کردم. در نهایت کمیسیون با بررسیهای طاقت فرسایی که بار آن نیز بر دوش تعداد محدودتری از اعضا بود به انجام رسید. جلسات کارشناسی گاهی تا ساعت ۲ بعد از نیمه شب به طول می انجامید. فشارهای زیادی وجود داشت تا ناهماهنگیهای جدیدی رسمیت یابد. تا جایی که می توانستیم مقاومت می کردیم.

با توجه به این که دولت نظام هماهنگ پرداخت بازنشستگان را ارائه نکرد، فصل ۱۳ را به قانون افزودیم که مربوط به نظام هماهنگ پرداخت بازنشستگان بود. در پایان بار مالی این فصل و برخی احکام فصل دهم مربوط به شاغلان، با مخالفت دولت مواجه شد و بن بستی ایجاد گردید. در مجلس گفته شد که باید لایحه بایگانی شود چون به نتیجه نمی رسد.

مصرانه و مجدانه مخالفت کردم و پیشنهاد تشکیل جلسه کمیسیون مشترک با رئیس جمهور را دادم و این جلسه تشکیل شد. در این جلسه برخی ابهام ها برطرف شد اما بررسی نهایی به کمیته مشترک دیگری موکول گردید که بنده هم عضو آن بودم و سرانجام با تفاهم اولیه به شورای نگهبان رفت. شورا نیز ایرادهائی گرفت که قابل اصلاح بود و در نهایت پس از فراز و نشیبهای فراوان، قانون در تاریخ 86/9/15 ابلاغ گردید. در بودجه سال 87 تلاشهای زیادی صورت گرفت که منابع مالی که دولت آن را در لایحه پیش بینی نکرده بود، در مجلس تأمین شود. در مورد بازنشستگان تا حدودی تأمین اعتبار شد و در نتیجه در مهر سال ۱۳۸۸ اجرای قانون شروع گردید که رضایت نسبی را پدید آورد. با نهایی شدن آیین نامه ها و تأمین اعتبار، در سال ۱۳۸۸ این قانون در مورد کارکنان نیز اعمال شد.

قانون مربوط به کارکنان کشوری بود و عملاً نمی توانستیم وارد موضوع بازنشستگان سایر دستگاهها و بیمه ها شویم. هنگام بررسی فصل سیزدهم قانون، اینجانب ماده ای را پیشنهاد کردم که به عنوان ماده ۱۱۳ این قانون تصویب رسید. این ماده مقرر می دارد که همه صندوق های بازنشستگی تجمیع شده و زیر نظر وزرات رفاه و تأمین اجتماعی وحدت رویه ای شکل گیرد و حقوقهای بازنشستگان سایر سازمانهای بازنشستگی نیز همسان سازی شود که این کار را نیز در مسیر اجرائی شدن قرار داد. بعد هم، به دلیل ابهاماتی، برای اصلاح همین ماده طرح دوفوریتی ارائه کردم که به تصویب مجلس رسید.

روند حرکتی یاد شده، امید به عدالت و منطقی بودن پرداختها را به وجود آورد. تهدیدهایی وجود داشت که ممکن بود دوباره در فرایند صحیح اخلاص ایجاد نماید. به علت عدم مراقبت قوای سه گانه باز هم مشکلات جدیدی به وجود آمد. کارکنان برخی دستگاهها برای حل مشکلات خود دنبال ناهماهنگیهایی بودند، در حالی که اگر تغییری صورت می گرفت، باید برای همه شاغلان اعمال می شد و گرنه دوباره همان شرایط به وجود می آمد. چنان که اقدام غیر قانونی و بعضاً قانونی برخی از دستگاهها، دستگاههای مشابه را مسأله دار کرد که باید مجدداً تصمیم فراگیر منطقی جدی اتخاذ گردد و از مطالبات جدی مردم در انتخابات مجلس باشد.

در خصوص توزیع عادلانه امکانات و خدمات در کشور نیز گام‌های ارزشمندی برداشته شد. به مناطق روستایی و شهرهای زیر ۲۰ هزار نفر جمعیت توجه شد و برخی تبعیضها در ارائه کالاها و خدمات دولتی از میان رفت. حق النظاره چاههای کشاورزی حذف گردید، بیمه بازنشستگی روستایی و بیمه خدمات درمانی شامل روستاها و شهرهای زیر ۲۰ هزار نفر جمعیت شد که در آینده جمعیت نیازمند شهرهای بزرگ را نیز پوشش خواهد داد.

خودپاری گاز رسانی به شهرهای کوچک و روستاها حذف شده و مانند شهرهای بزرگ عمل گردید. بیمه روستائیان و کشاورزان، توجه به راههای روستایی، ایجاد دفاتر ICT روستایی، سند دار کردن مسکن روستایی و توجه به مقاوم سازی آنها، اختصاص وام برای این منظور، توسعه طرحهای هادی، آغاز سند دار کردن مزارع و اقدام برای حل مشکلاتی که کشاورزان با منابع طبیعی داشتند و تعیین تکلیف اراضی فاقد سند رسمی و تصمیم برای حمایت از جوانان فاقد زمین کشاورزی، توسعه پوشش بیمه روستایی به کشاورزان ساکن در شهرها از جمله همین موارد بود.

تأثیرگذاری در توسعه عمرانی کشور، استان و حوزه انتخابیه

تلاش برای توسعه و عمران و آبادانی از محورهای دیگری بود که بطور جدی پی گیری شد. تلاش برای افزایش سقف اعتبارات عمرانی، توسعه شهرکهای صنعتی، افزایش حرکت به سمت توسعه حمل و نقل ریلی که پیگیری راه آهن تبریز - میانه و اجرای راه آهن ارومیه و اردبیل به تهران از آثار و مصادیق همان رویکرد است، توجه به مترو شهرهای بزرگ مانند مترو تبریز، تسریع در اجرای آزاد راهها و بزرگراهها مانند آزادراه زنجان - تبریز و تبریز - بازرگان، تبریز - نودوز، تبریز - ارومیه، تبریز - باکو و تبریز - ارمنستان و تخریب و نوسازی مدارس نمونه هایی از این تلاشهای عمرانی است. این رویکرد مخالفان جدی در مجلس داشت و با تلاشهای زیادی در برابر آنها مقاومت شد. آنها می گفتند افزایش بودجه عمرانی باعث بیماری هلندی در اقتصاد می شود و اگر درآمدها حاصل نشوند اقتصاد فلج می گردد. ما هم پاسخ می دادیم بیماری هلندی در افزایش هزینه های جاری است و گرنه اگر بودجه عمرانی کاهش یابد، در آینده سرعت فعالیتهای در این زمینه کم می شود و به اقتصاد آسیبی نمی رسد.

مواردی را از پیگیریهای مسائل عمرانی استان اشاره می کنم:

آزادراه زنجان تبریز

در آغاز حضور در قوه مقننه این آزادراه در مسیرهای هموار تا نزدیکی میانه اجرا شده و ادامه آن به امان خدا رها شده بود. پیمانکاران کار را تعطیل کرده و بعضاً در حال انتقال ماشین آلات خود بودند.

پژوهشگاه ملی علوم پزشکی

راه آهن زنجان میانه

توسعه فرودگاه تبریز

طرحهای هادی روستایی

اقدام برای مدیریت صحیح منابع ملی

رویکرد مناسبی در کشور برای مدیریت منابع ملی وجود نداشت. کالاهایی مانند انرژی، آب، نفت و فرآورده های نفتی، گندم و آرد به گونه ای مصرف می شد که ضمن ایجاد قاچاق و فساد، آینده تاریکی در پیش روی مردم قرار می داد. در سال 1385، مصرف روزانه بنزین به حدود 75 میلیون لیتر در روز رسید که نسبت به سال قبل نزدیک 7 میلیون لیتر افزایش یافته بود و طبعاً به همین مناسبت برای هر لیتر آن بیش از ده برابر مبلغ دریافتی یارانه پرداخت می شد. در نفت گاز (گازوئیل) اوضاع وخیم تر بود. مدیر عامل شرکت ملی نفت در کمیسیون گفت: به رانندگان تانکر گفتیم گازوئیل را به مصرف کننده (پمپ بنزین، نیروگاه و مانند آنها) تحویل دهید و بهای آن را به عنوان کرایه خود بگیرید، نپذیرفتند! یعنی با احتساب حمل و

نقل، گازوئیل به قیمت پائین تر از صفر عرضه می شد در حالی که در کشور همسایه از قاچاقچی معادل بیش از دو هزار تومان می خریدند. نان که با تأمین یارانه و با زحمت تهیه می شد خوراک دامها می گردید و آرد از کشور قاچاق می شد. تنها در مورد بنزین پیش بینی این بود که با توجه به افزایش سالانه خودرو و تغییر الگوی مصرف خانواده ها، در سال 1390 مصرف روزانه به 120 میلیون لیتر در روز برسد. در این صورت اکثر منابع حاصل از فروش نفت خام تبدیل به بنزین شده و در باک ماشینها می سوخت و دود می شد و به ریه های مردم می رفت و منابعی برای تأمین حقوق کارمندان، هزینه های دولت و پروژه های عمرانی باقی نمی ماند.

از همان سال 1383، با پیشنهاد و تصویب تبصره 2 ماده 3 قانون برنامه چهارم، زمینه برای اصلاح تدریجی مدیریت بخش قابل توجهی از منابع کشور فراهم شد. در این تبصره که توسط اینجانب تهیه شده بود و به تصویب نمایندگان رسید، آمده بود:

دولت مکلف است تا پایان سال دوم برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ضمن اتخاذ تمهیدات لازم برای کاهش مصرف فرآورده های نفتی و افزایش ظرفیت حمل و نقل عمومی، نیاز داخلی به فرآورده های نفتی را از محل تولیدات پالایشگاههای داخل کشور و یا فرآورده های جایگزین تولید داخل، تأمین نماید. صنایع خودروسازی و سایر کارخانجات مرتبط مکلف به برنامه ریزی جهت کاهش مصرف حاملهای انرژی و یا سازگار ساختن محصولات خود با فرآورده های جایگزین، مانند گاز طبیعی فشرده در خودروها، می باشند. دولت مکلف است سازوکار لازم را برای حمایت از اجرای این تبصره فراهم ساخته و بودجه مورد نیاز را برای حمایت از تغییرات یادشده در بودجه سالیانه پیش بینی نماید. این حکم قانونی در تبصره 13 قوانین بودجه سالانه پیگیری و در نهایت با تصویب و اجرای قانون هدفمندسازی یارانه ها مدیریت منابع مهم کشور در مسیر صحیحی قرار گرفت.

با این تمهیدات، مصرف بنزین نه تنها به 120 میلیون لیتر در روز نرسید، بلکه به 14 میلیون لیتر کمتر از مصرف روزانه سال 85 در سال 89 یعنی 61 میلیون لیتر رسید. فساد در فروش آزاد آرد و قاچاق آن از بین رفت و مصرف بطور محسوسی کاهش یافت. البته گازوئیل هنوز قاچاق می شود و در کشور همسایه عرضه می گردد. البته به دلیل مصارف آن در حمل و نقل عمومی و تولید، هرگونه اقدام در این زمینه باید با دقت و احتیاط و با پیش بینی همه جوانب صورت پذیرد.

ارتباط با مردم و توجه جدی به مطالبات و مصالح عمومی

در طول این مدت تلاش بر این بود که با حضور هفتگی در دفتر و حضور ماهانه در شهرهای حوزه انتخابیه و به قدر امکان در سایر مناطق شهری و روستایی به انتظارات منطقی مردم و جامعه پاسخ داده شود.

ایجاد دفتری که صبح و بعد از ظهر همه روزها و صبح روزهای جمعه، پاسخگوی مراجعان باشد، در برقراری این ارتباط مؤثر بود. به جز زمانی که در جلسات مهم حضور دارم، سعی می کنم به تلفن ها پاسخ دهم و مسائل را تا جایی که امکان دارد پیگیری کنم. جمع بندی اینجانب آن است که وظیفه ارتباط و پاسخگویی به مردم بر زمین نمانده است. البته تحلیل موضوعات مراجعات مردمی، فرصتی فراتر از این نوشتار می طلبد.

در مجلس نیز نسبت به هر موضوعی که به مطالبات مردم و مصالح آنان مربوط می شد، حساس بودم. بارها از واگذاری مدارس و بیمارستانهای دولتی به بخش خصوصی جلوگیری کردیم. با برخی تصمیمات که باعث افزایش مضاعف قیمتها می شد مخالفت کردیم و تصویب نشدند.

همچنین نسبت به آنچه مردم حساس می شدند، واکنش نشان می دادیم. مانند موضوع تبعیض ها و ناداوری هایی که در ورزش مشاهده می شود و یا اهانت به اذری زبانها. از تولید حمایت کرده و مشکلات آن را یاد آور می شدیم. مسائل فرهنگیان و آموزش و پرورش را بطور جدی پیگیر بودیم. در موضوعاتی که در راستای حمایت از بسیجیان و ایثارگران امکان طرح داشت، فعال عمل می کردیم و نمونه آن نهایی شدن قانون جامع ایثارگران بود که هنوز بخشهایی از آن به درستی اجرا نمی شود.

دفاع از هویت و ارزشهای قومی و بومی همراه با پرهیز از رویکردهای انحرافی

سالها پیش از نمایندگی مجلس شورای اسلامی، از جمله موضوعاتی که ذهن اینجانب را به خود مشغول می داشت و سعی می کردم در ارتباط با آن به راه حل‌های روشنی برسم، دفاع از ارزشهای بومی و قومی آذری بود. گروه‌های خارج نشین و وابسته سعی داشته و دارند از این واقعیت مشروع به گونه ای بهره برداری نمایند و در نتیجه ان موضوعات انحرافی بیگانه پسند و نادرست مانند تجزیه طلبی و توسعه ادبیات نفرت که رویه ای غیر انسانی و غیر اسلامی است رواج می یابد. به همین دلیل ضرورت داشت از این آسیب خانمانسوز و کشور برپادده نیز اجتناب گردد. حتی در زمانی که مسؤولیت سپاه استان را داشتم، بارها موضوع را با صاحب نظران مطرح می ساختم. یک بار در جلسه ای که رئیس قوه قضائیه وقت در جلسه یک جلسه محدود استانی موضوع را مطرح ساخت ایشان را مجاب کردم که بایستی به گونه ای دیگر به مسأله نگاه کرد. رویکرد انحرافی یادشده، ضمن آن که اثار منفی ملی دارد، هیچگاه نفعی برای استان و مناطق آذری نشین نداشته و در بسیاری از مواقع حساسیتهای بی دلیلی را برانگیخته و مانع رشد منطقه در زمینه های مختلف بوده است. اما هر قومی (به تعبیر قرآن کریم) با ویژگیهای اختصاصی مانند زبان و ادبیات خویش شناخته می شود و در قانون اساسی نیز در اصولی مانند اصل 19 و اصل 15 بر این ویژگیها تأکید شده است. بنابراین چرا باید این امر بدیهی تحت تأثیر عوامل حاشیه ای و نامربوط قرار گیرد؟ در شرایطی که جهان از سالها پیش تعلقات قومی را نه تنها مانعی برای همزیستی انسانی نمی داند بلکه با پیمانهای مانند پیمان ماست ریخت و رویکردهایی مانند اتحاد اروپا ضمن حفظ اصالت‌های اختصاصی و ارزشهای قومی، موانع زندگی با هم و در کنار هم را توصیه می کند، طرح حاشیه های ناصحیح نه تنها گامی در راستای دفاع از هویت قومی نیست بلکه در جهت خلاف آن است. آن هم در آذربایجان که تاریخ آن آکنده از مجاهدات پیگیر برای دفاع از ارزشهای اسلامی و تمامیت ارضی کشور ایران بوده است. در گفتگویی به جناب آقای دکتر حداد عادل گفتم: شما فکر می کنید اگر زبان و ادبیات ترکی آذری احیا شود، به چه اثری در گذشته و چه تولیدهایی در آینده می رسید؟ ادبیات آذری آکنده از مرثی و نوحه های سالار شهیدان امام حسین (ع) آموزه های دینی و سخنان حکیمانه و پندآموز بوده و در برگیرنده زیباترین و لطیف ترین آموزه های انسانی و اخلاقی است. این دستاورد فرهنگی بطور مسلم در خدمت اسلام و ایران خواهد بود نه در خلاف جهت آن. در کنار این موضوع اهانت‌های قومی عامل مشکل ساز دیگری بوده و هست که مسائل انحرافی را تشدید می نماید. به عبارت دیگر اهانت عامل تقویت کننده ادبیات نفرت بین اقوام است و باید در کنار مبارزه با ادبیات نفرت، با اهانت به اقوام نیز مبارزه کرد زیرا اولین اثر طبیعی آن ایجاد نفرت می باشد. اهانت موضوعی قابل دفاع نبوده و به لحاظ انسانی، اخلاقی و قانونی محکوم و مطرود می باشد. از جمله مبارزات مهم قرآن کریم و اسلام عزیز مبارزه با اهانت به فرد و جمع و تعظیم جایگاه انسانی با هر ویژگی اختصاصی در محدوده مقررات است. اگر در تاریخ کسانی حکومت‌های قلمرو اسلامی را با تبعیض‌های ناروا در هم آمیخته اند، انحرافی آشکار از ارزشهای اسلامی داشته و از دیدگاه شارع مقدس محکوم و مطرود می باشند.

مطلب اهانت آمیز روزنامه ایران

در کنار انجام سایر وظایف نمایندگی مجلس مواضع یادشده را به اشکال مختلف پیگیری می کردیم تا چاپ مطلب اهانت آمیز روزنامه ایران جمعه در تاریخ 85/2/22 پیش آمد. اینجانب پس از مشاهده مطلب روزنامه و با توجه به شرایطی که در مناطق آذری نشین پدید آمده بود، جمعه بعد یعنی در تاریخ 85/2/29 بیانیه زیر را در تبریز منتشر نموده و همین رویکرد را بطور رسمی مطرح ساختم:

بیانیه

بسمه تعالی

مردم شریف و متعهد آذربایجان،

رئیس جمهور محترم، وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی،

وزیر محترم علوم، تحقیقات و فناوری، وزیر محترم اطلاعات

روز شنبه 85/2/23 پس از اطلاع از مضمون مطلب موهن نشریه کم تیراژ روز جمعه 85/2/22 روزنامه دولتی ایران و قبل از مشاهده متن و تصاویر آن، طی تماسی با روزنامه، ضمن اعتراض دو موضوع را مطرح ساختم. یکی اعتراض به اهانت‌آمیز بودن مطلب و دوم امکان بهره‌برداریهای ناصحیح، که گزارش ناقصی از آن به همراه پوزش روزنامه در قسمت پائین صفحه اول روز بعد روزنامه ایران درج شده بود و سوء تفاهماتی را برای برخی پدید آورد. پس از دسترسی به متن منتشر شده، روشن شد که مطلب کاملاً موهن است. به همراه تعدادی از همکاران مجلس، نامه‌ای خطاب به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی تنظیم شد و طی آن درخواست گردید تا موضوع را رسیدگی و توضیح دهند. با مسؤولان امنیتی نیز تماس گرفته شد و ریشه‌یابی موضوع درخواست گردید. در صورت عدم اقدام مناسب، متعاقباً سؤالی از وزیر محترم در مجلس مطرح خواهد شد. اما پیش‌بینی دوم نیز به وقوع پیوست و جریانی مسأله‌دار با بهره‌برداری از احساسات عمومی، سعی کرد با تشویش اذهان و تلاش جهت هدایت افکار عمومی، همانند گذشته و در جهت نیات ناصحیح خود، جامعه آذری را همسو با جریانات مخالف با نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران معرفی نماید. به صراحت اعلام می‌کنم که اهانت اینان به جامعه آذری در روزهای اخیر، بسیار فراتر و عمیق‌تر از طرح درج متن و کاریکاتور موهن در یک نشریه با تیراژ محدود بود. با یاری ایزد متعال موضوع دوم را نیز پیگیری خواهیم نمود.

گروهی نیز که در میان مردم آذری زبان و جریانات مشکوک سرگردانند، سعی کردند با حضور در برخی از اجتماعات دانشجویی از موضوع بهره‌برداری سیاسی نمایند که اقتضای طبیعت آنهاست و ارزش موضوع در حدی نیست که بدان اهمیت داده شود.

همگان می‌دانند که به شهادت تاریخ، آذربایجان، در دوره‌های مختلف پرفراز و نشیب خود، همواره مدافع آزادیخواهی و حق طلبی بوده است. تاریخ، گواه صادقی بر این واقعیت است که مردم آذربایجان، ضمن همراهی با آرمانهای مشترک انسانی و بشری، همواره هویت اصلی خود را در اسلام، تشیع و پیروی از نهضت عاشورا دانسته‌اند و هویت بعدی آنها ایرانی و سپس آذری بودن است. به هر سه افتخار می‌کنند و هیچگاه آنها را در عرض هم نمی‌دانند. نگاهی اجمالی بر فهرست تحولات تاریخی گذشته، مانند مقاومت آذربایجان در برابر یورش عثمانی، ایستادگی قهرمانانه در برابر تجاوز روس، نقش آفرینی تعیین‌کننده در پیروزی نهضت مشروطیت، مشارکت جدی در نهضت ملی شدن نفت، از بین بردن توطئه پیشه‌وری در تجزیه آذربایجان، آفرینش جنبش تاریخی 29 بهمن، تأثیرگذاری در پیروزی انقلاب اسلامی و ایفای نقش مؤثر و تاریخی در دفاع مقدس با نقش آفرینی‌های حماسه‌سازان لشکر 31 عاشورا، همراه با مردم ایران اسلامی و حتی در خط مقدم تحولات، بیانگر حضوری تعیین‌کننده در تاریخ کشور است. در مقابل، در ادوار مختلف احساس عمومی مردم در مناطق آذری‌نشین این بوده‌است که دولتها و حاکمیت برخورد مناسبی با آنان نداشته و نسبت به انتظارات آنها کمتر توجه نموده‌است. در این میان بی‌دقتی‌ها و کم‌توجهی‌های رسانه‌ها، از صدا و سیما گرفته تا برخی از مطبوعات این احساس را تشدید کرده و زمینه را برای تعمیق سوء تفاهمات گسترده‌تر ساخته‌است. اما جریان موصوف در یک همگرانی کامل با دشمنان نظام و با ادعای قربابت با کشوری که همواره رژیم نا مشروع اسرائیل را بر نظام کشور شهیدان (جمهوری اسلامی ایران) ترجیح داده است، سعی داشته‌اند تا این احساس عمومی را به نفع خود مصادره نمایند. این روند، تحریف تاریخ و انواع بهره‌برداریهای ناصحیح از حوادث و مسائل مصادیق متعدّد را در برداشته است.

بی‌تدبیری گردانندگان بخشهای مرتبط نیز باعث شده است تا مسائلی که ماهیت فرهنگی یا علمی دارند، بطور غیرطبیعی دستمایه فعالیت‌های سیاسی بر علیه راه پاک شهیدانمان گردد. در گذشته که گاه تلاش می‌کردیم تا ضمن همراهی عملی در

برخی از زمینه‌های مشترک با این جریان، در تصحیح روند آن تأثیر نهاده و در زمینه‌های مورد توافق همراهی نمائیم، هرگاه پیشرفتی در پیش بود، مواجهه با اقدامات نسنجیده و آشوبگرانه باعث انصراف می‌شد.

و امروز، برخلاف کسانی که نگرانند، اینجانب به بیداری مردم آذری زبان اعتقاد راسخ دارم. کسانی که امثال شمس و خاقانی، پرفسور هشترودی، علامه امینی، علامه طباطبائی، علامه جعفری و شهریار شیرین سخن را در دامان خود پرورده‌اند و مجاهدانی چون ستارخان، باقرخان، شیخ محمد خیابانی، شهید ثقه‌الاسلام، شهید باکری، شهید شفیع زاده، شهید یاغچیان، شهید تجلائی و خیل شهیدان، پاکان و مخلصان را تقدیم بشریت نموده و همواره زیر لوای سالار شهیدان گام برداشته‌اند، سختی با این گروه ندارند و در زمان مناسب پاسخ روشنی به آنان خواهند داد. اعتقاد مردم ما جدایی قومیتها نیست. آنان به راه نبی گرامی اسلام (ص) پای بندند که سلمان فارسی، صهیب رومی و بلال حبشی را بر بزرگانی از اشراف قریش ترجیح می‌داد: زیرا ملاک برتری تقوی است، آن هم در پیشگاه ایزد منان نه در حقوق، که در حقوق، حتی رهبری را با دیگران تفاوتی نیست چه رسد به دیگران.

در پایان، فرصت را غنیمت شمرده و خواسته‌هایی را به شرح زیر، از سوی اقشار مختلف مردم شریف آذربایجان مطرح می‌سازم و به عنوان نماینده آنان، انتظار پاسخهایی روشن دارم:

1- در ارتباط با متن منتشر شده، به پوزش خواهی اکتفا نشده و دقیقاً انگیزه‌های واقعی برنامه ریزان و نویسندگان روشن و برای اطلاع افکار عمومی از طریق رسانه ملی تبیین گردد.

2- با نظارت شورای انقلاب فرهنگی و با محوریت نیروهای معتقد به انقلاب اسلامی، فرهنگستان زبان و ادبیات آذری تشکیل شده و پیش بینی های لازم به عمل آید.

3- به منظور اجرائی کردن اصل پانزدهم قانون اساسی، برنامه‌ریزی لازم جهت تدریس زبان و ادبیات آذری، با محتوایی در شأن نظام جمهوری اسلامی ایران و در مدارس مناطق آذری‌نشین و توسط فرهنگیان عزیز، انجام و در محدوده اصل مذکور اجرائی شود.

4- برخی کم توجهی‌ها در موارد عمرانی مربوط به آذربایجان به سرعت توسط دولت جبران گردد. حجم این موارد زیاد نیست و براحتی می‌توان به آنها دست یافت.

5- نتیجه بررسی تحركات عناصر اصلی جریانهای وابسته، برای اطلاع عموم اعلام گردد.

تظاهرات اول خرداد 85 و اقدامات بعد از آن

روز اول خرداد برای شرکت در جلسات علنی مجلس در تهران بوم و از قبل خبرداشتم که اطلاعیه‌هایی برای راهپیمایی دوشنبه اول خرداد منتشر شده است. روزهای قبل نیز تحركاتی در سایر استانهای آذری نشین وجود داشت. در تبریز، راهپیمایی که می‌توانست مانند برخی استانهای دیگر با تدبیر مناسب مدیریت شود و اعتراض به اشکال صحیحی منعکس گردد به دلیل برخی ناهماهنگی‌ها و بی‌برنامگی‌ها به اتفاقات ناگواری منتهی شد. در این میان باز هم امکان طرح و انعکاس ناصحیح موضوع وجود داشت. به همین دلیل برای روز بعد با استفاده از وقت نطق پنج دقیقه‌ای یکی از همکاران، مطالبی را در صحن علنی مجلس مطرح ساختم. قبل از نطق اینجانب همکار دیگر جناب آقای دکتر جبارزاده با استفاده از وقت همکار دیگری خواسته‌هایی در همین راستا مطرح ساخت. اینجانب ضمن تأیید آنها نکات دیگری را عنوان کردم. متن این، به شرح زیر است:

متن نطق پیش از دستور تاریخ سه شنبه 85/3/2 ؛ در مجلس شورای اسلامی، پس از حوادث

85/3/1 شهر تبریز

به نام آن که جان را فکرت آموخت

پیشاپیش سوم خرداد، سالروز آزادی خرمشهر عزیز را گرامی می دارم.

امروزه در سطح بین المللی، جایگاههای مهمی صورت گرفته و جمهوری اسلامی ایران جایگاه برجسته‌ای یافته است. اتحاد کم نظیر ملت بزرگ ایران و همدلی کامل با دولت در موضوع هسته‌ای، از علل اصلی این تحول است. آثار مثبت نامه رئیس جمهور محترم نیز فضای جدیدی را در دیپلماسی خارجی کشور باز گشود، به گونه‌ای که تحلیل گران مخالف جمهوری اسلامی در تحلیل آن باز ماندند.

شرایط مطلوب موجود، بازیگران سیاسی را واداشت تا با ایجاد گسیختگی در افکار عمومی، بر این اتحاد کم نظیر ملی تأثیر گذارند، اتحادی که می تواند پیامدهای بزرگ و تاریخی در زمینه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برای کشور در بر داشته باشد.

در چنین شرایطی، چگونه است که یک روزنامه، متن و کاریکاتوری را که به بخش وسیعی از ملت ایران توهین می کند، منتشر می نماید؟ چگونه بپذیریم که چنین اتفاقی ساده و عادی بوده است؟ موضوع را بطور علمی تحلیل کنید! روانشناسانه و بر اساس مبانی تحلیل محتوا بررسی نمائید! کسی که متن و تصاویر را دیده و خود را مخاطب آن می یابد، به شدت احساس تحقیر می کند. بدون توجه به بهره گیری سوجویان و معاندان که سعی می کنند تا در این فضای هیجانی، عقده‌های دیرین خود را بازگشایند، اعلام می کنم که اکثر مردم آذری زبان در سطح کشور واقعاً و عمیقاً متأثرند.

حادثه‌ای که دیروز در تبریز شکل گرفت، با بهره از همین احساس عمومی بود که مشابه آن در بیستم تیرماه سال 1378 نیز با شعارهای دیگری در تبریز پدید آمده بود. آن ماجرا به سرعت مهار شد و برادر خودم نیز در این ماجرا به شهادت رسید. آن روز نگاه متفاوتی به حادثه داشتیم و امروز نیز! مسؤولان بخشهای مختلف برای اولین بار هم که شده، عالمانه و واقع‌بینانه با مسائل این مناطق برخورد نمایند.

به شهادت تاریخ، آذربایجان همواره مدافع آزادیخواهی و حق طلبی بوده است. آذربایجان همواره ضمن همراهی با آرمانهای مشترک بشری، هویت اصلی خود را در اسلام، تشیع و پیروی از نهضت عاشورا دانسته است، هویت دیگر او ایرانی بودن و سپس آذری بودن است و هیچکدام را مغایر با دیگری ندانسته و بر هر سه افتخار می کند.

با مطالعه تاریخ می بینیم که در یورش عثمانی و حمله روس، آذربایجان از تمامی ارضی ایران دفاع کرد، بعدها پیشه‌وری و تجزیه طلبان را بیرون راند. در تحولات داخلی نیز در مبارزه با استبداد قاجار و دیکتاتوری پهلوی، در نهضت‌های مشروطه و ملی شدن نفت، قیام 29 بهمن، پیروزی انقلاب اسلامی و خط شکنی‌ها و حماسه‌های دوران دفاع مقدس همواره در خط مقدم تحولات قرار داشته‌است. در پیشرفتهای کشور نیز در زمینه علم و دانش پرفسور هشترودیها، در ادب شهریارها، در حوزه دین علامه طباطبائیها و استاد جعفریها را تحویل جامعه اسلامی ایران داده است.

در پایان، ضمن تأکید بر خواسته های اعلام شده در بیانیه قبلی خود و همچنین کلیه خواسته هایی که توسط همکار ارجمند جناب آقای دکتر جبارزاده بیان گردید، اعلام می کنم: آذربایجانی که همه او و مردمانش را می شناسند، از مدیران و مسؤولان جامعه انتظارات مؤکدی دارند مبنی بر این که:

1- به آنان اهانت نشود،

2- حقوق آنان پاس داشته شود.

والسلام

توقیف روزنامه

به دنبال این نطق و با پیگیری همکاران در مجلس، همان روز، روزنامه ایران توسط هیأت نظارت بر مطبوعات موقتاً توقیف گردید، عوامل دست اندر کار تهیه و چاپ مطلب نیز توسط دستگاه قضایی بازداشت شدند. پیگیریهای بعدی ادامه پیدا کرد. البته حوادث دیگری در مناطق آذری نشین اتفاق افتاد. مذاکراتی با برخی از گروههای دانشجویی پیگیری کننده داشتیم و

همین دیدگاهها را بدانان نیز منتقل ساختیم. در داخل استان در برخی مطبوعات محلی بهره برداریهای جانبی نیز ادامه داشت که نامه ای به آنها ارسال گردید.

اقدامات بعدی

ضمن تداوم موضعگیریها در حوزه های مختلف از جمله رسانه ها و اظهار نظر در خصوص توانمندیهای زبان و ادبیات ترکی آذری و جنبه های اکوتوریستی آذربایجان و همچنین پیگیری اعتبارات و پروژه های عمرانی استان که در دو سال گذشته رشد و پیشرفت قابل ملاحظه ای داشت، در حوزه های دیگر نیز بطور متناوب موضوع پیگیری شد. سه سؤال از وزیر اطلاعات، علوم تحقیقات و فناوری و آموزش و پرورش مطرح ساختیم.

سؤال از وزیر اطلاعات در راستای نیت قبلی تهیه کنندگان مطلب موهن و ریشه یابی انگیزه آنان بود. ایشان در کمیسیون اعلام کرد که به این موضوع نرسیده اند که چنین اراده ای از قبل وجود داشته است. همچنین وزیر علوم، تحقیقات و فناوری آقای دکتر زاهدی در ارتباط با ایجاد فرهنگستان و نبود رشته زبان و ادبیات آذری در دانشگاه و وزیر آموزش و پرورش آقای فرشیدی در پاسخ به سؤال در خصوص علت عدم اجرای اصل 15 قانون اساسی در کمیسیون، هر دو، موضوع را به دبیرخانه شورای امنیت ملی متوجه ساختند. در مذاکره حضوری با دبیر وقت شورا با استقبال از اصل موضوع آن را در دستور کار یکی از معاونتهای شورا عنوان نمود و در مذاکره دیگری با نامبرده وی نیز از اصل موضوع استقبال کرد و ملاحظاتی را عنوان ساخت که چندان پذیرفته نیست.

به دنبال بازگشایی روزنامه ایران، در تاریخ ششم شهریور اعلام شد که مدیر مسؤول روزنامه ایران به دلیل نداشتن سوء نیت تبرئه شده است! در نطق پنج دقیقه ای مورخ 85/6/7 ضمن تقدیم اصل موضوع، به این رأی اعتراض کردم. مطالب عنوان شده از این قرار است:

"..... سخن دیگر در مورد مسائل قومیتها است. تنوع اقوام در کشور ما می تواند هم تهدید و هم فرصت باشد. تهدید از آن روی که زمینه توسعه ادبیات نفرت را فراهم سازد تا با بهره از تنوع خدادادی اقوام، واگرایی را ترویج نمایند که گاهی شاهد انتشار این ادبیات از تربیونهای رسمی نیز هستیم.

اما این واقعیت مانع آن نیست که از واقعیتهای دیگری چشم فرو بندیم. اهانت واقعیت دیگری است که بستر را برای توسعه ادبیات نفرت فراهم می سازد. خلأهای قانونی و رفتارهای نامناسب اجرائی و قضائی در این زمینه غیر قابل توجیه است. حکم هیأت منصفه و دادگاه مطبوعات در مورد مدیر مسؤول روزنامه ایران که گروههای وسیعی از مردم کشور را آزرده خاطر ساخته بود، با هیچ منطق حقوقی سیاسی و امنیتی سازگار نیست. داشتن سوء نیت یکی از عناصر جرم است، در حالی که عنصر مادی مشهود، مسؤولیت مدنی و جزایی خود را دارد. چرا هیأت منصفه و دادگاه نسبت بدان بی توجه بوده است؟

اهانت، زیر پا نهادن یکی از نیازهای شناخته شده بشری به نام نیاز احترام است. چند ماه پیش در نطق خود عرضه داشتم برخورد واقع بینانه و علمی با مسائل اجتماعی راه گشا است. توجه داشته باشید که انقلاب با عظمت اسلامی ایران با اهانت به رهبر کبیر انقلاب اسلامی در ضمن درج مقاله ای در روزنامه اطلاعات آغاز شد.

در کشورهای مختلف دنیا برای انسجام ملی راه کارهایی تجربه شده است. با توجه به این که در کشور ما عنصر اصلی وحدت ملی، اعتقادات دینی ملت ما است، در صورت عملی شدن پیشنهادهای ناصحانه و خیرخواهانه، این تهدید به اسانی قابل تبدیل به فرصتی تاریخی برای انسجام ملی است."

به دنبال این موضع گیری مدیر مسؤول روزنامه ایران تغییر کرد و یکی از مسؤولان وزارت ارشاد نیز در تماسی با اینجانب این موضوع را اعلام نمود.

مدتی بعد با جناب آقای دکتر حداد عادل رئیس سابق فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی و عضو فعلی آن، مذاکره ای حضوری داشتم و به دنبال آن نامه ای را به شماره 5776 و تاریخ 1385/7/18 نوشتم در پیگیریهای بعدی ایشان اقدام مربوطه را منوط به اتمام ساختمان فرهنگستان و راه اندازی اولیه آن در تبریز دانست.

تلاش برای جرم انگاری اهانت به اقوام ایرانی

از جمله خلأهای قانونی، جرم انگاری اهانت به اقوام بود. نسبت به ارائه طرحی اقدام گردید و برای آن درخواست فوریت شد اما یک فوریت آن با اختلاف نسبتاً اندکی به تصویب نرسید. در این طرح ضمن جرم انگاری توهین به اقوام، مقررات مختلفی در قالب الحاق یک فصل به قانون مجازات اسلامی پیش بینی شده بود. این طرح هر چند به تصویب نرسیده، اما سندی قابل توجه به شمار می آید و چنین تنظیم شده است:

طرح پیشنهادی الحاق موادی به قانون مجازات اسلامی "در خصوص جرائم ناشی از اهانت به اقوام ایرانی"

در این طرح پیشنهادی که به علت عدم همراهی مجلس تصویب نشد، آمده بود:

ماده واحده - یک فصل مشتمل بر مواد (730)، (731)، (732)، (733)، (734) و (735) به شرح زیر به قانون مجازات اسلامی الحاق می شود:

"فصل سی ام - توهین به فرهنگ، زبان و آداب و رسوم مشروع قومیتها:

ماده 730 - هر کس علناً نسبت به اقوام ایرانی و فرهنگ، زبان و آداب و رسوم مشروع و قانونی آنها توهین نماید، حسب مورد به سه ماه تا سه سال حبس محکوم می شود.

ماده 731 - در صورت انتشار تصویر یا مطالب اهانت آمیز موضوع ماده (730) این قانون در رسانه های مکتوب، علاوه بر مدیر مسؤول، در مورد طراح، تهیه کننده و برنامه ریزان آن نیز مطابق ماده (730) این قانون عمل می شود. در صورت احراز سوء نیت و تبانی برای اخلال در امنیت عمومی کشور، حسب مورد به مجازات مندرج در ماده (498) این قانون محکوم می گردد.

ماده 732 - در صورت انتشار مضامین اهانت آمیز در رسانه صوتی و یا صوتی- تصویری، ضمن عذرخواهی و جبران توسط بالاترین مقام همان سازمان، آمران، مسؤولان ذی ربط، مجری در صورت دخالت در مضمون، شرکت کننده در برنامه زنده، حسب مورد علاوه بر مجازات مندرج در ماده (730) این قانون به انفصال از خدمت در دستگاه دولتی یا عمومی از سه سال تا یک سال محکوم می شوند. چنانچه اثار ناشی از فعل نامبردگان، به تشخیص وزارت اطلاعات، موجب اخلال در نظم عمومی و امنیت کشور یا تحریک احساسات نژادی یا مذهبی شود، حسب مورد به مجازات مذکور در ماده (498) این قانون محکوم می شوند.

ماده 733 - نویسنده و ناشر جزوات و کتبی که در بردارنده مضامین اهانت آمیز و تمسخر طوایف اقوام ایرانی باشد و یا بیابیه و اعلامیه ای که در این مضمون منتشر شود، حسب مورد به مجازاتهای مندرج در ماده (730) یا ماده (498) این قانون محکوم می شوند.

ماده 734 - هر کس به وسیله عکس، کاریکاتور، نوار صوتی، مکتوبات و سایر پدیده های نرم افزاری در سایت، وبلاگ و نظایر آن در فضاهای الکترونیکی و رایانه ای مرتکب عملی شود که متضمن توهین یا هتک حرمت به اقوام ایرانی شود، حسب مورد به مجازاتهای مندرج در ماده (730) یا ماده (498) این قانون محکوم می شود.

ماده 735 - استفاده از نقشهای موهن و تحقیر آمیز نسبت به اقوام موجود در کشور در فیلمهای سینمایی، سریالها و نمایشها ممنوع است. دستگاههای اجرایی مربوط موظف به نظارت و انعکاس تخلفات به دستگاه قضایی می باشند. اجازه دهنده، سناریو نویس، تهیه کننده و کارگردان و سایر عوامل مؤثر، حسب مورد به مجازات مندرج در ماده (730) یا ماده (498) این قانون محکوم می شوند."

فوریت این طرح به دلیل مخالفت برخی نمایندگان، با فاصله اندکی با رأی مورد نیاز، به تصویب نرسید. جالب این بود که یکی از همکاران مدعی نیز موضعگیری نموده و وجود چنین قانونی را غیر ضروری دانست و اعلام کرد که قانون پیش از انقلاب مبنی بر پیوستن ایران به کنوانسیون مبارزه با تبعیض نژادی کافی است و نیازی به این قانون نیست! البته به دلیل

تراکم طرحها و لوایح امکان رسیدگی عادی آن در مجلس هفتم امکان نخواهد داشت و با توجه به وصول لایحه جدید مجازات اسلامی به مجلس باید در فرصتهای آتی پیگیری شود. فیلم دفاعیه اینجانب در صحن علنی موجود است.

واکنش برخی به این طرح

پیرو عدم تصویب طرح، اظهار نظرهای مخالفی صورت پذیرفت. یکی از آنها مطلبی بود که در تاریخ دوشنبه 5 تیر ماه، روزنامه اعتماد ملی چاپ گردید. متن به قلم یکی از نویسندگان حقوقدان معروف روزنامه نوشته شده بود و به طرز شگفت انگیزی ضعیف و ناروا بود. به این مقاله پاسخ دادم که شنبه بعد در همان صفحه چاپ شد:

اعتماد ملی: شنبه 10 تیر 1385

ضرورت حفظ حرمت همگان

دکتر محمد حسین فرهنگی

در صفحه دوم روزنامه اعتماد ملی در تاریخ دوشنبه 5 تیر ماه، مطلبی با عنوان «نگاهی منتقدانه به طرح یک فوریت (یک فوریتی) نمایندگان» درج شده است. مقدمات مطلب منطقی و قابل دفاع است و بیش از نصف متن را تشکیل می دهد اما نتیجه گیری های به عمل آمده فاقد مبانی حقوقی مناسب می باشد. طرح مورد اشاره که با عنوان «الحاق موادی به قانون مجازات اسلامی در خصوص جرایم ناشی از اهانت به اقوام ایرانی» در یک فصل و مشتمل بر 6 ماده تحویل هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی شده است، عمدتاً به منظور پیش بینی مجازات برای اهانت کنندگان به اقوام ایرانی است که در مقررات موجود، از جمله در قانون مجازات اسلامی فاقد مجازات های تعریف شده بوده و خلاء مذکور مردم مناطق مختلف کشور را در دفاع از خود وادار به عکس العمل های تند می نماید. در صورتی که همگان بدانند قوانین روشنی برای مقابله وجود دارد و به مورد اجرا گذاشته می شوند، اقوام احساس وظیفه نمی کنند که راساً وارد عمل شده و اعتراض خود را مطرح سازند. همچنین زمینه برای هرگونه سوء استفاده از بین می رود.

نکاتی را که در بخش پایانی یاد شده آمده است، مرور می کنیم:

1- گفته شده است که طرح مذکور نادیده انگاشتن بندهای 9 و 14 اصل سوم قانون اساسی است. اصل سوم قانون اساسی دولت را موظف ساخته تا همه امکانات خود را برای اموری به کار برد که از جمله آنها این دو بند است. در بند 9 آمده است: «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه های مادی و معنوی» بند 14 نیز «تامین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون» را در بر دارد. اول اینکه هیچگونه تعبیری برای مجوز اهانت به اقوام را در بر ندارد و بلکه خلاف آن را شامل است زیرا در طرح پیشنهادی از قومی نام برده نشده است تا تبعیض محسوب شود. شهروند ایرانی منتسب به قومیت های مختلف است و طرح مذکور اهانت به قومیت او را جرم انگاشته است. بنابر این تبعیضی در کار نیست و عین عدالت را در دفاع از حقوق همگان در بردارد.

2- گفته شده که این طرح، اصل 19 قانون اساسی را نادیده گرفته است. در اصل نوزدهم آمده است: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند، از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.» از این اصل نیز تجویزی برای اهانت به اقوام مستفاد نیست و بلکه مفهوم مخالف آن تأیید جرم انگاری اهانت است: «کسی نمی تواند به هیچ کدام از این اقوام اهانت نماید»

3- در متن آمده است که بایستی همه مردم ایران از زن و مرد به معنی عام کلمه مورد احترام باشند و بی حرمتی نسبت به هر یک از آنان مورد احترام باشند و بی حرمتی نسبت به هر یک از آنان مورد مجازات و کیفر باشد برداشت می شود که نگارنده محترم احساس کرده اند در صورت تصویب این قانون، توهین به اشخاص واجد قانون نبوده و آنها بی دفاع خواهند بود، در حالی که چنین نیست. برای مجازات اهانت به اقوام قانون نداریم اما برای اهانت به اشخاص قوانین روشنی وجود دارد. در فصل بیست و هفتم قانون مجازات اسلامی، ذیل عنوان افترا و توهین و هتک حرمت آمده است: «ماده 697- هر کس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله دیگری به کسی امری را صریحاً نسبت دهد و یا آنها را منتشر نماید که مطابق قانون

آن امر جرم محسوب می شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید، جز در مواردی که موجب حد است، به یک ماه تا یک سال حبس و تا 74 ضربه شلاق یا یکی از آنها حسب مورد محکوم خواهد شد.» در تبصره این ماده آمده است: «در مواردی که نشر آن اشاعه فحشا محسوب گردد. هر چند بتواند صحت اسناد را ثابت نماید، مرتکب به مجازات مذکور محکوم خواهد شد.» در مواد 698، 699 و 700 ابعاد دیگری از اهانت، هجو و تخریب توضیح داده شده و جرایم سنگین تری تا 3 سال حبس و یا تا 74 ضربه شلاق پیش بینی گردیده است. در فصل پانزدهم قانون مجازات اسلامی نیز موادی در همین زمینه وجود دارد، در این مواد، توهین به افراد، مقامات و کارکنان دولت جرم انگاری شده و مجازات های حبس، شلاق و جریمه نقدی پیش بینی گردیده است. اما در مورد اهانت به اقوام چنین احکامی وجود ندارد. از استدلال های محکم بر ضرورت تصویب چنین قوانینی، استدلال از طریق اولویت است. زیرا با توجه به اینکه در مورد اهانت به اشخاص با شدت برخورد می شود، به طریق اولی اهانت به جمع های وسیع تری از آنان که مخاطرات اجتماعی، فرهنگی و امنیتی به مراتب بیشتری به دنبال دارد واجد اهمیتی فزون تر خواهد بود.

4- گفته شده است که این اقدام واکنشی و بدون نگاه دوراندیشانه بوده است.» اگر چنین بوده باشد، وجود یک ماه فرصت، مطالعه در ابعاد مختلف موضوع و تدوین متقن آن به همراه دو شور بررسی در مجلس، این ایراد را مرتفع می سازد. اما مبنای این سخن که گفته شده است «این عمل پاک کردن صورت مسأله و سطحی نگری است» برای نگارنده روشن نبود. صورت مسأله چه بوده که پاک شده است و بر آن اساس اگر این سطحی نگری را نکنیم باید منتظر بمانیم هر چند وقت یک بار فردی یا گروهی به بخشی از اهالی ساکن در کشور اهانت کند و آنجا را به هم بریزد، آیا این رویکرد منطبق با دوراندیشی است؟

5- در پایان آمده است که این طرح در بردارنده برتری سلسله اقوام بر قوم ایرانی(؟) که همان ملت بزرگ ایران است(؟) می باشد. این نتیجه گیری درست نیست، زیرا رجحانی بر هیچ قومیتی لحاظ نشده است. یادآوری می شود که طرح مذکور در صورت اراده مجلس، به صورت دو شوری رسیدگی خواهد شد. در صورت تصویب کلیات، هرگونه تغییر یا تصحیحی در مرحله رسیدگی کمیسیون یا صحن علنی امکانپذیر است.

برخی اظهار نظرها در مطبوعات:

* عصر آزادی پنجشنبه 18 خرداد 1385

دکتر محمدحسین فرهنگی، نماینده مردم تبریز، آذرشهر و اسکو در مجلس شورای اسلامی که در جمع خبرنگاران سخن می گفت، اعلام کرد: لازم است نیت و اغراض تهیه کنندگان این مطلب از سوی مقامات قضایی پیگیری شده و رسانه ها و افکار عمومی نیز این موضوع را پیگیری کنند.

دکتر فرهنگی اضافه کرد: موضوع حوادث اخیر تبریز و شهرهای آذری زبان کشور باید به صورت علمی و منطقی پیگیری شود.

وی گفت: کسانی که در سطح شهرها شورش می کنند براساس نظریه پردازان سیاسی به پنج دسته تقسیم می شوند. گروهی انحصار طلب هستند و در جامعه هیچ جایگاهی ندارند.

گروه دوم به دنبال غصب هستند و خواسته هایی را ابراز می دارند که با رفتارهای عملی خود چندان سازگار نیست. گروه سوم نسبت به دیگران طرد شده اند و تعدادشان کم است. گروه بعدی تخریب شدگان هستند، کسانی که مجازات های مختلفی را دیده اند و گروه آخر براساس سرشت انسانی به دنبال کسب هویت هستند و می خواهد ابراز وجود کنند، این افراد معمولاً در بحث های علمی وارد می شوند و مسایل را به طور منطقی و از مجراهای صحیح خود دنبال می کنند.

این نماینده مردم تبریز، آذرشهر و اسکو ادامه داد: انتظاری که از رسانه ها داریم این است که در کنار طیف آخر بوده و به طیف هویت خواهان بپیوندند. وی گفت: تا این گروه بتواند مسایل فرهنگی را از مسائل اجتماعی و همچنین موضوعات سیاسی و امنیتی جدا کند.

دکتر فرهنگی افزود:

زبان و لهجه یک پدیده فرهنگی است اگر ما در جریانات پیش آمده بخواهیم به خاطر پدیده فرهنگی پدیده اجتماعی را فدا کنیم، به یک نوع گسیختگی در کشور دامن زده ایم.

نماینده مردم تبریز، اسکو و آذرشهر در پاسخ به سوال خبرنگار عصر آزادی که پیرامون استیضاح وزیر فرهنگی و ارشاد اسلامی پرسید، گفت: موضوع استیضاح وزیر در مجلس آماده طرح بود که با توقیف روزنامه ایران معلق مانده است. وی افزود: در صورتی که استیضاحی مطرح و منجر به کسب رأی اعتماد مجدد از سوی نمایندگان شود نتیجه اش نوعی سرخوردگی خواهد بود.

و با توجه به اینکه حداکثر اقدام وزیر در خصوص روزنامه، توقیف آن بوده، بنابر این بحث استیضاح از اولویت خارج شد.

* واقع بینی مسؤلان در مسایل مناطق آذری زبان کشور ضروری است

نماینده مردم تبریز، آذرشهر و اسکو در مجلس شورای اسلامی گفت: مسؤلان بایستی با مسایل مناطق آذری زبان کشور واقع بینانه و عالمانه برخورد کنند.

به گزارش خبرگزاری فارس از تبریز، محمد حسین فرهنگی در جمع خبرنگاران افزود: برای عبور از شرایط کنونی باید ظرفیت های قانون اساسی را اجرا کرد.

وی اضافه کرد: برای افکار عمومی قابل توجیه نیست که اصل 15 قانون اساسی اجرا نشود، چه اشکالی دارد فرزند آذربایجانی داوطلبانه در کلاسی با ادبیات ترکی آذری شرکت کند و به عنوان مثال، با ادبیات آذری با زندگی شهید باکری آشنا شود.

فرهنگی تصریح کرد: ادبیات زبان و ادبیات آذری در طبقه بندی سازمان فرهنگی بین المللی یونسکو از نظر غنی بودن بعد از ادبیات فرانسوی و عربی، در رتبه سوم قرار گرفته است و باید فرهنگستان زبان آذری ایجاد شود تا آثار و منابع آذری را تدوین نماید. نماینده مردم تبریز در مجلس شورای اسلامی همچنین اظهار داشت: با جبران کم توجهی ها در مسائل عمرانی آذربایجان، این مسأله نیز می تواند احساس عمومی را تغییر دهد.

وی با تأکید بر اینکه در قضایای اخیر، نامه استیضاح وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی توسط نمایندگان مجلس به امضاء رسیده بود، در ارتباط با دستگیری تعداد زیادی از مردم در مقابل مجلس شورای اسلامی خاطر نشان کرد: به دنبال جلسه هایی با معاون اول رئیس جمهوری و مسؤلان مربوطه، تعداد زیادی از این افراد که نقش تعیین کننده ای در این حرکت نداشتند، آزاد شدند.

فرهنگی به مسؤلان هشدار داد در صورتی که با مسائل با شیوه های صحیح برخورد نشود، انفعال اجتماعی رخ خواهد داد. نماینده مردم تبریز در مجلس در عین حال گفت: حوادثی که روز دوشنبه در تبریز اتفاق افتاد، می توانست از سوی مقامات مسؤل به صورت بهتری اداره و مدیریت شود و می توانستند مانند مسؤلان زنجان با مردم هماهنگ شوند و جلوی سوء استفاده کنندگان هم گرفته می شد.

دکتر فرهنگی افزود: اگر بدون برخورد قانونی لازم روزنامه ایران دوبار انتشار یابد، آزردهی های بیشتری اتفاق خواهد افتاد. فرهنگی در مورد ماهیت دستگیر شدگان حوادث اخیر تبریز تصریح کرد: اطلاع موثقی ندارم، ولی مطمئناً عناصر وابسته قصد بهره برداری داشتند.

نماینده مردم تبریز در مجلس شورای اسلامی به نظرات جامعه شناسان سیاسی در خصوص طبقه بندی شرکت کنندگان در اعتراضات اجتماعی و سیاسی اشاره کرد و گفت: گروه مهم این افراد کسانی هستند که به دنبال کسب هویت هستند و لازم و ضروری است در مورد این افراد مطالعه و دقت زیادی صورت گیرد و سنجیده تر عمل شود.

* مهد آزادی: دوشنبه 22 خرداد 1385

نماینده مردم تبریز در مجلس شورای اسلامی

جاذبه اکو توریستی قلعه بابک بیشتر از تخت جمشید است.

نماینده مردم تبریز، آذرشهر و اسکو در مجلس شورای اسلامی گفت: آذربایجان شرقی ظرفیت های فراوان بالقوه دارد و جاذبه اکو توریستی قلعه بابک، بیشتر از تخت جمشید است.

محمدحسین فرهنگی در گفت و گو با خبرگزاری فارس افزود: در حوزه گردشگری استان آذربایجان شرقی پیشرفت بسیار خوبی را شاهد هستیم و در صورتی که ناامنی نباشد، می توان در جذب گردشگر، رشد مقبولی داشت. وی همچنین گفت: مسیر زنجان تا قوری گل از پروژه آزاد راه زنجان - تبریز تا پایان نیمه اول امسال تکمیل و مورد بهره برداری قرار می گیرد.

دکتر فرهنگی اضافه کرد: با پیگیری های به عمل آمده و همکاری مناسب وزارت راه و ترابری، این پروژه به سرعت در حال پیشرفت است.

نمایشهای موهن

در سال 93 با نمایشی تحت عنوان خراکتور و در اخیراً با پخش برنامه ای از مجموعه فتیله موضوع ادامه پیدا کرد. در هر دو مورد علاوه بر پیگیریهای سریع، در مجلس موضعگیری کردم. نتیجه آن در موضوع اول، تعطیلی سریع نمایش و اعلام عذرخواهی بانیان تئاتر یاد شده بود.

در نطقی که در 19 مرداد 93 ایراد مردم بیان داشتم: "وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مانع هر گونه اقدام تفرقه افکنانه توسط گروههای مرتبط با وزارتخانه شود. اخیراً نمایش موهنی در تهران به نمایش در آمده است. امیدواریم تاکنون متوقف شده باشد. همه توفیقات کشور، مدیون اقوام تشکیل دهنده این ملت بزرگ، اعم از فارس و ترک و کرد و لر و عرب و گیلک و سیستانی و بلوچ و ترکمن است. این گروهها بروند و خودشان را مسخره کنند."

به دنبال این موضعگیری، وزارت ارشاد طی نامه ای تعطیلی نمایش را به اینجانب اعلام کرد.

گروه نمایشی فتیله نیز در پاییز 94، طی برنامه حساب شده ای باز هم به اهانت پرداخت. واکنشهایی داشتیم و در تماس با معاون صدا و سیما اعتراض خود را اعلام داشتم. قولهایی مبنی بر عذرخواهی و تعطیلی گروه داشتند و بدانها عمل کردند. در اولین جلسه مجلس تلاش کرده و وقت نطقی گرفتم:

بخشی از نطق 24 آبان 94 در صحن علنی مجلس

"امروز بیش از هر روز دیگری نیازمند وحدت هستیم. صدا و سیما، رسانه های رسمی و غیررسمی، مکتوب و مجازی به این مهم توجه و التزام مورد نیاز را داشته باشند. خلأهای قانونی و ضعف در نظارتها باعث شده است تا وحدت ملی به شدت آسیب پذیر شود. رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنان اخیر خود بر تمدن نوین اسلامی و معرفی آن به جهانیان تأکید کردند. آنچه این ایده را محقق می کند، همبستگی است نه پیامهای ضد همبستگی.

توجه به قومیت‌های مختلف در کشور و اعتماد به آنها برخلاف تصور برخی، باعث انسجام اجتماعی و افزایش سرمایه اجتماعی می شود. در قانون مجازات اسلامی برای توهین به فرد (در ماده 608) توهین به مقامات و مأموران دولت (در ماده 609) حتی توهین به یک کودک (در ماده 619) جرم انگاری شده و برای آنها مجازات تعیین شده است. اما برای توهین به میلیونها انسان، هیچ حکم قانونی وجود ندارد. دادستان هم به عنوان مدعی العموم ورود نمی کند و مسؤولانی مانند مسؤولان صدا و سیما هم نظارت کاملی بر اقدامات زیر مجموعه های خود ندارند.

این آسیب جدی است. در سال 85 در مجلس نسبت به این مهم ورود کردیم اما در مجلس و قوای دیگر نسبت بدان استقبال نشد. گفته نشود توهین امر مبهمی است. در استفساریه قانونی مصوب سال 1379 توهین کاملاً تعریف و به تشخیص قاضی منوط شده و عرفیات جامعه مبنای آن قرار گرفته است. سعدی می گوید: یکی از شعرا پیش امیر دزدان رفت در قلب زمستان و او را ثنایی گفت. فرمود تا جامه از وی برکنند و از ده به (بیرون) کردند. مسکین برهنه به سرما همی رفت. سگان در قفای وی افتادند. خواست تا سنگی بردارد و سگان را دفع کند. زمین یخ بسته بود. عاجز شد، گفت این چه بد فعل مردمند! سگ را گشاده اند و سنگ را بسته! حکایت امروز اقوام عزیز و شریف ایرانی همین است. سنگها را بسته اند و سگها را رها کرده اند.

این فراز از عرائضم را با این شعر جاودانه سعدی پایان می دهیم:

بنی آدم اعضای یک پیکرند
که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار
دگر عضوها را نماند قرار"

جمع بندی

همانگونه که در ابتدا نیز عنوان شد، دو موضوع را باید از هم جدا کرد:

1- تجزیه طلبی و توسعه ادبیات نفرت بین اقوام ایرانی بطور جدی نفی شود. مدعیان واقعی آن، جرأت بیان صریح دفاع از تجزیه طلبی را ندارند، اما با به کارگیری ادبیات نفرت عملاً در راستای آن گام بر می دارند. حمایت‌های مخالفان بین المللی جمهوری اسلامی از این رویکرد بهترین شاهد مدعا است.

2- محور قانونی و مشروع دفاع از ارزشهای بومی، زبان، آداب، سنن و زبان و ادبیات ترکی آذری و پیشرفت و آبادانی مناطق آذری نشین که با رفع موانع و کاهش حساسیتها می توان بدان رسید.

پیگیری رویکرد اول در محور دوم نیز تأثیر منفی دارد. البته مبارزه با آن نباید به متروک ماندن سخن اصلی منتهی شود. راهی جز مسیر دوم وجود ندارد و مناسب است پیگیری کنندگان به جای ترویج بی راهه ها بگویند که چگونه می توانند در این فرآیند تأثیرات مثبت بر جای نهند. مسلماً اهداف اصلی قابل دستیابی خواهند بود و با پیمودن مسیرهای نادرست بدان نخواهیم رسید.

مسائل فوتبال آذربایجان

زمانی که به نمایندگی مردم انتخاب شدم، چند سال بود که تبریز تیمی در لیگ برتر فوتبال نداشت و جوانان و ورزش دوستان احساس سرخوردگی داشتند. در هر جلسه و محفلی که مناسبی وجود داشت، موضوع را مطرح و آن را مطالبه می کردم. اهتمام مسؤولان باعث تا تیم در سال 86، با شیرین فراز کرمانشاه، به مسابقه پلی-آف راه پیدا کند. در آن مسابقه به ورزشگاه اختصاصی یادگار امام (ره) رفتیم. از اوایل بازی متوجه مدیریت قوی و جنگ روانی مربی شیرین فراز، آقای فراز کمالوند بودم. تا این که با همان شیوه ها شیرین فراز در بازی رفت برنده شد و در بازی برگشت هم موفق شد بازی را ببرد و صعود کرد. در همان بازی به مسؤولان توصیه کردم در فصل بعدی، از کمالوند به عنوان سرمربی تراکتورسازی استفاده کنند. در آن فصل این کار انجام نشد اما با یک فصل تأخیر سرمربی شد و نتیجه داد و سرانجام در سال 1388 با مربیگری وی به لیگ برتر صعود کرد.

تأمین مالی یکی از مشکلات تیم بود و بارها سعی کردیم به این مهم بپردازیم. در اولین فصل تیم تا مرز فروپاشی پیش رفت. از استناداری تقاضای جلسه ای کردم و مرحوم شادروان قاسمی مدیر مؤسسه جوانان خیر را نیز دعوت کردم و ایشان مسؤولیتی را پذیرفت و چند روز بعد در دفتر اینجانب چک مساعدت مؤسسه را به مدیریت وقت باشگاه داد و تیم نجات پیدا کرد. در مقاطع مختلف بعدی هم کارهای جمعی و فردی زیادی داشتیم که از تفصیل آنها می گذرم.

در فصل جاری در نیم فصل اول مجدداً بحران مالی تیم را فراگرفت و تیم افت و خیزهایی داشت. نامه ای خطاب به مسؤولان ذی ربط نوشته و پیشنهادهای چهارگانه خود را ارائه کردم. مسؤولان فعلی با استفاده از فضای ایجاد شده بطور موقت مشکلات خود را کاهش دادند و هنوز این وضع ادامه دارد. هنگامی که وضعیت ناراحت کننده در مسابقه روز جمعه 25 اردیبهشت 94 در بازی تراکتورسازی- نفت رخ داد، در اولین جلسه علنی نطقی ایراد و مواضع خود را اعلام داشتیم:

نطق جلسه علنی روز یکشنبه 27 اردیبهشت

ملت عزیز و بزرگوار ایران، همکاران محترم!

در روز پایانی مسابقات لیگ برتر فوتبال کشور، روز جمعه 25 اردیبهشت ماه، شرایطی در ورزشگاه یادگار امام(ره) در تبریز به وجود آمد و در نتیجه نهایی جابجایی‌های صورت گرفت که باعث ابهامات و دلخوری‌های گسترده‌ای شد. در این خصوص تذکر و سوالی تقدیم هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی شده است و از سایر ظرفیت‌های مجلس نیز برای پیگیری استفاده خواهیم کرد.

در این خصوص نکاتی را که نیاز به بررسی و پیگیری داشته و یا عموم مردم عزیزمان، به ویژه آذربایجان سرافراز باید به آنها توجه کنند، یادآور می‌شوم.

1- داوری مسابقه تراکتورسازی و نفت جای تامل فراوان دارد، تعیین داوری که سابقه مناسبی در رفتار با تیم تراکتورسازی نداشته، شائبه‌های زیادی پدید می‌آورد و این انتخاب را برای این بازی مهم، تصمیم درستی نمی‌دانیم که در جریان بازی نیز کاملاً آثار خود را نشان داد.

2- در بازی حساسی، در مقابل دیدگان 100 هزار تماشاگر پرشور و در منظر کل ملت ایران که از طریق تلویزیون شاهد بازی بودند، اخراج یکی از موثرترین بازیکنان تیم حداقل، شائبه برنامه‌ریزی از پیش را دارد. ندیدن پنالتی مسلم و سایر اتفاقات همه مطلعان از سازوکارهای ورزشی را آزرده خاطر کرد و در این زمینه، تیتراهای اکثر قریب به اتفاق مطبوعات ورزشی بعد از مسابقه، این احساس ناراحت کننده را منعکس می‌کند.

3- اطلاع رسانی ناصحیح و قطع ارتباط عمومی استادیوم موید جنگ روانی موثری است که در نحوه پیگیری بازی تاثیر گذاشت و به طور جد قابل پیگیری است.

4- ضمن تشکر از مردم عزیز و پرافتخار آذربایجان که ضمن ابراز ناراحتی خود، رفتار متین و قابل قبولی از خود نشان دادند؛ یادآوری می‌کنم که برخی اخبار و اطلاعات نادرست نیز در فضای مجازی به طور گسترده‌ای منتشر می‌شود. مواردی از قبیل ترک استادیوم توسط رییس فدراسیون، نیم ساعت قبل از بازی و موارد مشابه دیگر صحت ندارد. ایشان تا پایان در استادیوم حضور داشته است.

5- یکی از امور تاسف‌آوری که برخلاف مصالح عمومی در برخی فضاهای عمومی مطرح می‌شود و متأسفانه مقامات مسئول و اطلاعاتی کشور نسبت به آن حساسیت لازم را ندارند، پراکندن ادبیات نفرت قومی میان مردم است، با حساسیت‌های واقعی جامعه مانند همین موضوع درست برخورد نمی‌شود. اما با احساسات مردم و بعضاً افرادی که انگیزه‌های خاصی ندارند برخورد می‌گردد، اما با کسانی که توهین به اقوام را در دستور کار خود دارند برخورد مناسب صورت نمی‌گیرد. به عنوان مثال توجه نهادهای اطلاعاتی را به مطالب توهین آمیزی که قبل از مسابقه استقلال و تراکتورسازی در برخی فضاها منتشر شد، جلب می‌کنم، هرچند در میدان مسابقه پاسخ مناسبی به آن داده شد.

اما آیا نهادهای مسئول عاملان اصلی آن را پیدا کردند؟ نتیجه اقداماتشان چه بوده است؟ همچنین به مناسبت مسابقه فوتبال، نباید کینه و نفرت میان فارس زبانان و دیگران توسط برخی، عامدانه و عالمانه و توسط برخی دیگر از روی احساسات متعارف، مطرح شود.

6- عموم مردم را توجه می‌دهم که مسابقات ورزشی، ورزش هستند نه فعالیت سیاسی، قومی، حزبی و نظایر آن. مدیران ذی ربط ورزشی و عموم جامعه سعی کنند با رعایت سازوکار ورزشی موضوعات را پیگیری کنند تا شاهد سوء تفاهات ملی و سرخوردگی‌های اجتماعی نباشیم.

در آستانه سفر هیأت دولت به استان آذربایجان شرقی از مسئولان محترم اجرایی کشور و استان انتظار داریم به اولویت‌های مورد نظر مردم استان آذربایجان شرقی، مانند تسریع در اجرای پروژه‌های مهم عمرانی به خوبی توجه شود، تا بلکه اندکی از تلخی آنچه رخ داده است، جبران شود.

موضوع مهم دریاچه ارومیه

دریاچه ارومیه بیست و پنجمین دریاچه بزرگ دنیا از نظر مساحت و بزرگ‌ترین دریاچه داخلی ایران و دومین دریاچه بزرگ آب‌شور دنیا است و عمدتاً از رودخانه‌های زربینه‌رود، سیمینه‌رود، آجی چای، گادر، باراندوز، شهرچای، نازلو و زولا تغذیه می‌شود. دریاچه از اواسط دهه ۱۳۸۰ شروع به خشک شدن کرد، خشکسالی، احداث بزرگراه بر روی دریاچه، و استفاده بی‌رویه از منابع آب حوزه آبریز دریاچه علل اصلی آن هستند. ساخت بزرگراه ۱۵ کیلومتری بر روی دریاچه با دریاچه کوچک ۱/۲ کیلومتری وضعیت دریاچه تأثیر زیادی در خشکی دریاچه داشته و لازم است اصلاح آن نیز بررسی شود.

انتقال آب از حوضه‌های آبریز دیگر از جمله آبهای رودخانه‌های ارس و زاب از راه کارهای پیشنهادی است. پس از شکل گیری دولت جدید، کارگروه ملی نجات دریاچه ارومیه با مسؤولیت معاون اول رئیس جمهوری تشکیل شد. موضوعاتی همچون مقابله با ریزگردها، وضعیت کشاورزی و الگوی کشت در منطقه و تعداد چاه‌های آب مورد بررسی قرار گرفته است. برخی کارشناسان اعتقاد دارند فعالیت‌های ترمیمی انجام شده در این دوره در کنار حمایت‌های مردمی موجب کاهش روند تخریب دریاچه ارومیه و در برخی بخش‌ها باعث بهبود شرایط شده است.

با بارش‌های صورت گرفته در پاییز ۱۳۹۴ بیش از ۷۰۰ کیلومتر مربع از نواحی جنوبی دریاچه ارومیه که پارسال خشک شده بود، آبیگری شد. اکنون سطح دریاچه ارومیه حدود یک‌هزار و ۱۰۰ کیلومتر مربع تخمین زده می‌شود.

معتقد بودم و هستم که دریاچه ارومیه با شعار، تصمیمات کلی و یک جانبه احیا نمی‌شود. حتی منابع مالی اجرای این طرح در صورت امکان تأمین نیز در دراز مدت قابلیت اجرایی ندارد؛ چرا که هم آب از دست می‌رود و هم منابع مالی در صورت وجود.

مدیریت صحیح آب در منطقه و تامین آب شرب و غذای مردم نیز اهمیت فراوانی دارد. بنابراین ضروری است در خصوص انتقال آب حوزه به حوزه اهتمام شود و بجای نکاشت در بخش کشاورزی، تدریجاً اصلاح و بهینه سازی الگوی کشت و اصلاح روشهای آبیاری پیگیری شود که اجرای آن هم منطقه به منطقه و روستا به روستا متفاوت است. در مورد طرح انتقال آب ارس به دریاچه ارومیه بیشتر به کلی گویی اکتفا شده است تا عمل؛ بودجه‌های قطره چکانی نیز راه به جایی نمی‌برد.

ضرورت عزم ملی برای احیای دریاچه ارومیه، در این مورد موضع ما کاملاً شفاف است، تامین آب مورد نیاز دریاچه ارومیه، در کنار حفظ حق و حقوق مردم یک ضرورت است.

پیشنهاد کردیم در برداشت از صندوق توسعه ملی برای استفاده از آب‌های مرزی منابعی نیز برای احیای دریاچه ارومیه پیش بینی شود و زمان بندی اجرای آن برای عوامل اجرایی و افکار عمومی اعلام گردد.

با توجه به احتمال کمبود محصولات زراعی و باغی با اجرای طرح‌هایی مانند نکاشت! در کشور باید همه جنبه‌های اجرای این طرح را در نظر گرفته شود تا مبادا با اجرای طرح نکاشت کمبودی در محصولات غذایی مردم پیش بیاید؛ در سایر استان‌ها نیز برای تامین آب شرب مردم مشابه همین بحث‌ها مطرح است. نمی‌توان خانواده‌هایی را که کل هزینه زندگی‌شان با کشاورزی تامین می‌شود، از ادامه کاشت محصولات کشاورزی منع کرد.

فارغ از بحث‌های کارشناسی در مورد لزوم وارد کردن آب به بخش جنوبی دریاچه ارومیه، اجرای این طرح با توجه به کاهش قیمت نفت و به تبع آن کاهش توان مالی دولت از ضمانت اجرایی برخوردار نیست و به زندگی و معیشت مردم صدمه وارد می‌کند.

بنابر این ضمن اجتناب از اقدامات شعاری و تبلیغی، سعی کردم ضمن تقویت این راه‌کارها پیشنهادهای جدیدی را هم پیگیری کنم. استقرار پایگاه دائمی باروری ابرها، تشکیل کمیسیون موضوع اصل ۱۳۸ قانون اساسی و انتقال آبهای تصفیه

شده فاضلابها، از جمله این پیشنهادها بود. تاکنون دو مورد اول عملیاتی نشده و مورد سوم که باعث تسریع در اجرای پروژه های فاضلاب می شود، در حال اجرا است.

زلزله تلخ و سنگین در آذربایجان

روز (21) مرداد 1392 مصادف با (23) رمضان 1433 زلزله سنگینی در منطقه ارسباران رخ داد. زمین لرزه های آذربایجان شرقی (۱۳۹۱) دو زمین لرزه بود که در روز شنبه مناطقی از استان آذربایجان شرقی را لرزاند؛ زمین لرزه ای با بزرگی گشتاوری ۶٫۴ در ساعت ۱۶:۵۳ به وقت محلی در ۱۷ کیلومتری اهر و زمین لرزه ای با بزرگی گشتاوری ۶٫۳ در ساعت ۱۷:۰۴ به وقت محلی در ۱۰ کیلومتری ورزقان. مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران و سازمان زمین شناسی آمریکا، کانون هر دو زمین لرزه را در عمق حدود ده کیلومتری زمین ذکر کرده اند. زمین لرزه، در استان های آذربایجان غربی، گیلان، زنجان و اردبیل نیز احساس شد. علت تلفات و همچنین خسارات گسترده، عمق کم زمین لرزه در عمق ۱۰ کیلومتری زمین، نزدیکی روستاها به گسل و مشکلات بناها و سازه های منطقه بوده است.

تقارن با فصل کاشت و برداشت محصول، زمان و ساعت وقوع زلزله با توجه به این که در 23 رمضان و ساعاتی قبل از افطار رخ داد، و دوبار رخ دادن آن که تخریب های اصلی در بار دوم اتفاق افتاد، باعث کاهش چندین برابری تلفات انسانی شد.

خسارت های مالی

در محدوده این زمین لرزه ها ۱۸ هزار و ۶۱۸ واحد مسکونی دچار آسیب شد که از این تعداد ۵ هزار و ۳۲۹ واحد به طور کامل تخریب شدند. در مجموع ۴۱۰ روستا دچار تخریب شده و ۶۵ روستا به طور کامل از بین رفتند. ۱۲ روستای شهرستان ورزقان به طور کامل تخریب شد که هر یک از این روستاها حدود ۹۰۰ تا هزار نفر جمعیت داشتند که کمتر از ۴۰ درصد آنها جان خود را از دست دادند. همه زیرساخت های مخابراتی ناحیه ورزقان به هم ریخته و تمامی خطوط قطع شدند. ۶۰ روستای منطقه میان ۵۰ تا ۷۰ درصد و شش روستای شهرستان اهر به کلی تخریب شده اند. خسارت های وارده به شبکه برق ۲۵ روستای زلزله زده این استان ۱۲ میلیارد تومان برآورد شد.

در تهران بودم که خبر زلزله را دریافت کردم و با تلفن پیگیریه های مختلفی را در خصوص امداد و نجات انجام دادم. بلافاصله خود را به منطقه رسانده و همراه با دیگر همکاران پیگیریه را شروع کردیم. همراه با جمعی از نمایندگان در اولین فرصت خود را به جلسات ستاد بحران در تبریز رساندیم. امداد و نجات در حد قابل قبولی پیش رفته بود. با توجه به نزدیکی فصل سرما باید به سرعت اقدامات بعدی برای اسکان صورت می گرفت. نگاه مسؤولان استانی و ملی به نحو حیرت آوری نسنجیده، بعضاً خنده دار و تأسفار بود. می گفتند وام بدهیم و مردم زلزله دیده بروند و اماکن خود را بسازند! مردمی که داغ دیده، بهت زده و بدون هر امکانی بودند و هنوز آوار برداری انجام نشده بود. همان جلسه اعتراض کردیم. هم به سرعت آوار برداری و ساز و کار موجود آن و هم مکانیزم ساخت و ساز، و معتقد به اجرای سریع توسط دولت و دستگاه مأمور شده یعنی بنیاد مسکن بودم. بلافاصله در رسانه ها هم شروع به طرح مشکل کردیم و هر دو به مرحله تصمیم گیری رسید. پیشنهاد کردیم برخی کارها را به صورت پروژه ای به دستگاهها بدهید. مثلاً آوار برداری یک یا چند روستا با یک شهرداری یا یک استان باشد و ... با یکایک ده شهرداری حوزه انتخابیه خود تماس گرفتم و با هماهنگی فرمانداریه های سه گانه همین کار را در خصوص انجام دادم و روستاهای مشخصی را شروع کردند از سراسر کشور شهرداریها و بنیادهای مسکن و ماشین آلات وزارت راه و شهرسازی به منطقه سرازیر شدند. در صدا و سیما استان هم موضوع را مطرح کرد و بطور مستمر پیگیری کردیم. در جلسات بعدی که پشت سرهم تشکیل می شد، معلوم شد درباره احشام روستاییان منطقه هیچ برنامه ای ندارند و مسؤولان جهاد کشاورزی استان در این زمینه به نحو ناراحت کننده ای کم کار بودند که تقریباً تا آخر نیز ادامه یافت. برای

آنها نیز پیشنهادهایی داشتیم در این زمینه قرارگاههای سپاه وارد شدند و تا حدود قابل توجهی تلاش کردند. این دوره عضو کمیسیون عمران هستم و از موضع کمیسیونی هم پیگیریهای زیادی شد.

همچنین در اولین جلسه علنی مجلس بعد از حادثه، دوشنبه ۲۳ مرداد با توجه به این که صدا و سیما در روزهای اولیه برخورد مناسبی نداشت، دکتر لاریجانی رئیس قوه مقننه در جلسه علنی از مسؤولان رادیو و تلویزیون خواست با درک شرایط سخت مردم با آنها همدردی کنند و به کمیسیون عمران ماموریت داد تا بطور جدی مسائل زلزله را پیگیری کند.

در این نشست، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و هلال احمر و رییس سازمان مدیریت بحران کشور و نماینده ورزقان، گزارش امداد و نجات حادثه زلزله را ارائه کردند

کمیسیون و ریاست وقت آن مرحوم آقای مهندس آقای نقش گسترده ای در پیگیری مسائل زلزله داشت و در چند نوبت پیشرفت امور به صحن مجلس گزارش شد.

مسؤولان اجرایی در اجرا با مشکلات و موانع قانونی مواجه بودند. با طراحی اینجانب طرحی تهیه و پس از طی مراحل، کمیسیون عمران و مجلس قانونی را روز یکشنبه مورخ نوزدهم خرداد ماه 1392، مجلس شورای اسلامی قانونی با عنوان "قانون تسریع در بازسازی مناطق آسیب دیده در اثر حوادث غیر مترقبه" تصویب کرد که در تاریخ 29 خردادماه 1392 به تأیید شورای نگهبان رسید. این قانون در مورد حوادث غیر مترقبه احکامی را مقرر داشت. تاریخ اجرای آن عطف به ماسبق شد و از 21 مرداد 91 تعیین گردید.

البته دولت وقت و دولت فعلی حکم اصلی و بخش عمده آن را اجرا نکردند.

در این قانون آمده است: دولت می تواند در موارد تخریب های گسترده ناشی از حوادث غیر مترقبه به استناد اصل یکصد و سی و هشتم (138) قانون اساسی فوراً ستاد راهبری بازسازی را مشابه مصوبه 1382/10/28 هیأت وزیران تشکیل دهد و اختیاراتی را به کمیسیونی مرکب از وزیران مربوط واگذار نماید.

ستاد راهبری بازسازی موضوع این بند مکلف است همانند مصوبات ستاد مذکور را در ارتباط با تأمین زیر ساخت های مورد نیاز مناطق آسیب دیده و جبران خسارت های وارده به اموال و احشام مردم و مجروحان و خانواده متوفیان حوادث مذکور و ایجاد امکانات لازم برای پیشگیری از هرگونه حوادث مذکور و ایجاد امکانات لازم برای پیشگیری از هر گونه حوادث غیر مترقبه و بحران احتمالی، حسب مورد تصویب و پس از تأیید رئیس جمهور اعمال کند.

از تاریخ تصویب این قانون، سازمان مدیریت بحران کشور با اختیارات قانونی در امر بازسازی مناطق آسیب دیده در محدوده اختیارات ستاد مذکور در بند (1) زیر نظر ستاد راهبری بازسازی فعالیت می نماید.

دولت مکلف است معادل ساخت ابنیه این مناطق را که از پیمانکاران اخذ می شود به عنوان کمک به پیمانکاران طرف قرارداد پرداخت نماید.

به منظور تأمین هزینه صدور پروانه ساختمانی واحدهای آسیب دیده، متناسب با ابعاد حادثه، تنخواهی به صورت علی الحساب ظرف حداکثر دو هفته در اختیار وزارت کشور قرار می گیرد. این اعتبار به نسبت پروانه های صادره مذکور در اختیار شهرداری های شهرهای آسیب دیده قرار می گیرد.

همچنین تا پایان بازسازی، کسورات مربوط به هزینه بیمه کارگران ساختمانی در شهرهای آسیب دیده به ده در صد مذکور را از محل اعتبارات پیش بینی شده در صدر ماده واحده تأمین نماید.

تبصره - ستاد راهبردی بازسازی موضوع بند (1) این قانون می تواند مبالغ مذکور را افزایش دهد.

به منظور بازسازی ساختمان های دولتی و عمومی آسیب دیده، مساجد حسینیه ها و امامزاده ها و اماکن تاریخی پس از اعلام استانداری مربوط و تأیید معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری، اعتبار مورد نیاز در اختیارات وزارت راه و شهرسازی یا دستگاههای ذی ربط قرار می گیرد تا پس از تعیین ردیف، عنوان طرح و اعتبار مصوب هر کدام نسبت به عملیات اجرائی آنها اقدام نماید. به گونه ای که طرف دو سال کلیه عملیات اجرائی خاتمه یابد.

بازپرداخت کلیه تسهیلات اعطائی قبل از وقوع حادثه به افراد آسیب دیده (اعم از تولیدی و غیرتولیدی، در شهرها و روستاها) به مدت دو سال از تاریخ وقوع حادثه استمهال و سود متعلقه برای مدت مذکور توسط دولت تأمین می شود. همچنین استفاده از تسهیلات تخصیصی اعم از مسکونی و غیرمسکونی شهری و روستایی، مشروط به نداشتن بدهی قبلی، نداشتن چک برگشتی، تأهل و حداکثر سن نمی باشد. پرداخت تسهیلات بانکی جهت ساخت، بازسازی و مقاوم سازی مجدد برای افرادی که در گذشته از تسهیلات بانکی استفاده کرده اند ولی ساختمان مذکور آسیب دیده و یا از بین رفته، بلامانع است.

7- به منظور جبران خسارتهای و تأمین نیازهای ضروری بخش کشاورزی مناطق آسیب دیده، تسهیلاتی با حداقل کارمزد و بیشترین زمان تنفس ممکن از محل منابع صندوق توسعه کشاورزی در اختیار کشاورزان قرار می گیرد. دولت مکلف است اعتبارات لازم را برای ساخت و آماده نمودن حداقل یکصد هزار واحد مسکونی پیش ساخته برای اسکان موقت و به همین میزان قطعات پیش ساخته برای اسکان دائم در اختیار وزارت راه و شهرسازی قرار دهد تا در صورت بروز حادثه به سرعت در مناطق آسیب دیده مورد استفاده قرار گیرد.

موضوع برجام

با تشدید تحریمها و خیانتهایی که برخی افراد داخلی داشتند، فشار بر فعالان اقتصادی فزونی گرفت. طولانی و فرسایشی شدن مذاکرات مردم را خسته کرد و در سال پایانی دولت نهم، مقام معظم رهبری، مجوز ورود به فاز جدید مذاکرات را صادر فرمود و عنوان نرمش قهرمانانه را عنوان کرد. به افکار عمومی القاء شده بود که طرف غربی آماده همکاری و برداشتن تحریمها است و جمهوری اسلامی ایران با آن مخالفت می کند.

با آغاز به کار دولت جدید، طرف غربی تظاهر به نرمش کرد و مذاکرات وارد فاز جدید خود شد.

در نطق خود در 14 مهر 92 در مجلس گفتم:

"از مسائل مهم روزهای گذشته، سفر و محتوای سفر رئیس جمهور محترم و هیأت همراه در سفر نیویورک بود. اصل این اقدام، به هنگام و ارزشمند بود و مسائل حاشیه ای نباید اصل موضوع را تحت تأثیر قرار دهد. نه تنها خواست انتخاب کنندگان جناب آقای دکتر روحانی، بلکه اراده عمده حامیان اکثر کاندیداهای دیگر ضرورت تغییر در روشها و رویکردها بود تا ضمن دفاع از حقوق ملت، دیپلماسی فعالی در راستای تغییر ادبیات گفتگو با کشورهای مختلف تحقق یابد. رسانه ها به جای پرداختن به حواشی، اصل موضوع را پیگیری کنند تا معلوم شود پاسخ حسن نیت و مواضع شفاف دولتمردان کشورمان از سوی مسؤولان آمریکایی چیست؟ آیا به همان رفتارهای غیرمنطقی گذشته ادامه می دهند یا در برابر نرمش توأم با حفظ حقوق ملت ایران، همراهی می کنند که اگر چنین باشد، صد البته به نفع خودشان و صلح و آرامش جهانی نیز هست. در غیر این صورت همه جهانیان و ملت عزیز ما و حتی مردم آمریکا متوجه اصل ماجرا می شوند که این تظاهرها و اقدامات واقعی نیستند. هر دو سوی این رفتار در مقطع کنونی به نفع کشور ما است و سیاسیون داخلی و صاحب نظران بدان توجه داشته باشند. نرمش قهرمانانه، دعوت به تعامل است نه تعارض و یا امتیازدهی به دشمن. تفاهم برد - برد مطرح است نه برد - باخت یا باخت - باخت.

البته همه مسائل را با سیاست خارجی مرتبط ساختن، اشتباهی استراتژیک است. شرایط فعلی، فرصتهای جدیدی به وجود آورده است. فعال ساختن اقتصاد مقاومتی، حرکت به سمت کاهش تصدی های دولتی، اقدام برای کارایی بیشتر صندوق توسعه ملی، کاهش وابستگی بودجه عمومی به نفت، توسعه پوششهای حمایتی از متقاضیان کار به جای تأمین بی هدف یارانه، توسعه اشتغال مولد و حرکت به سمت ثبات اقتصادی با لحاظ حل مسائل عامه مردم، بویژه اقشار آسیب پذیر، در کنار توسعه روابط خارجی، از جمله این فرصتها است که البته تمام آنها نیاز مبرم به حمایت مجلس دارد."

محصول ماراتن مذاکرات دو و نیم ساله به برجام منتهی شد.

با وصول برجام در مجلس که به حای توافق شفاف و چند صفحه ای به بیش از یکصد صفحه متن دارای ابهامات زیاد تبدیل شده بود، مجلس بلافاصله کمیسیون ویژه ای تشکیل داد و بررسی را آغاز کرد. نتیجه ان به گزارش 20 صفحه ای منتهی شد که در مجلس قرائت گردید. دو صفحه پایانی گزارش این پیشنهادها را در بر داشت:

" (ز) پیشنهادها:

1. شایسته بود دولت محترم برای اجرای برجام و رفع موانع قانونی آن اقدام به ارائه لایحه می نمود ولی با عنایت به عدم انجام این امر قانونی از سوی دولت، مجلس شورای اسلامی می بایست برای امکان اجرای درست برجام اقدام به ارائه طرحی دوفوریتی با الزاماتی دقیق برای رفع موانع اجرای برجام، متناظرسازی و متناسب سازی فعالیت کشورهای اطراف برجام و تضمین کننده انجام تعهدات طرف مقابل و مسدودکننده راههای نفوذ و کاهش آسیب پذیری در حوزه های مختلف پیرامون آن خصوصاً حوزه های سیاسی و فرهنگی نماید.

2. دولت محترم باید با مطالبه حداکثری از مفاد مندرج در برجام، همچنان به عنوان یک عضو صاحب فن آوری هسته ای در آژانس فعالانه حقوق هسته ای اساسی ملت ایران را مطالبه نموده و نسبت به گسترش برنامه تحقیق و توسعه بومی کشور برای فعالیت های گسترده آینده زمینه سازی نماید.

3. راه منطقی رفع تحریمها اقدامات متناظر کمی، کیفی و زمانی بود که به ان توجه نشده است لذا باید با تدبیر درست به گونه ای عمل نمود که در مقابل گامهای مشخص تا روز اجرای گزارش آژانس پیرامون اعلام حل مسائل گذشته و حال ارائه شده و تمهیدات لازم جهت انجام اقدامات مناسب برابر لغو تحریمهای اروپا و آمریکا و رفع تحریمهای کنگره امریکا برداشته شود و در صورتی غیر از لغو تحریمها نسبت به حرکت تعلیق فعالیت های هسته ای مورد نظر برجام در مقابل تعلیق تحریمها اقدام نماید.

4. به منظور تضمین امنیت کشور و بهره مندی از یکی از مهمترین اهرم های بازدارندگی در عرصه دفاعی کشور می بایست توجه ویژه ای به توان موشکی و توسعه کیفی و کمی آن برابر نیازهای کشور و تهدیدات پیش رو صورت پذیرد. لازم است در این مسیر خوش بین نبودن و تشدید تلاش در بخش امنیت و دفاع از ضرورت های انکارناپذیر سیاست های دولت اعلام شود.

5. با توجه به سیاست قاطع جمهوری اسلامی ایران در مقابله و مبارزه با تروریسم دولتی و آمریکاساخته در سراسر جهان به ویژه در غرب آسیا و شمال آفریقا باید با یاری کشورهای مبارزه کننده با تروریسم و تأمین نیازهای تسلیحاتی کشورهای دوست، اقدامات پیش دستانه انجام پذیرد.

6. حساسیت بالای مراکز نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران و اصل حیاتی ضرورت حفظ اسرار نظامی و امنیتی کشور حکم می کند که راه دادن بیگانگان به بهانه بازدید و بازرسی به این اماکن و مواجهه با دانشمندان کشور با هر بهانه ای مطلقاً ممنوع شود.

7. با توجه به اینکه در مرحله اجرای برجام و حضور گسترده هیأت های خارجی و باز شدن بیشتر فضای کشور بر روی بیگانگان زمینه نفوذ احتمالی دشمن در عرصه های امنیتی، اقتصادی و فرهنگی بیشتر خواهد شد به همین علت باید با طراحی متناسب با تحولات جدید برای جلوگیری از این نفوذ احتمالی اقدام نمود.

8. کشورهای اطراف برجام با توجه به مفاد ماده 28 آن متعهد به احترام متقابل و پرهیز از هرگونه اقدام مغایر با نص، روح و هدف برجام شده اند از این رو مقامات دولتی باید بکوشند ضمن احترام به رعایت این بند با پاسخگویی مناسب در برابر گزافه گویی های مسؤولان آمریکا و اروپا هیچ یک از زیاده گویی های آنها را بی جواب نگذاشته و نسبت به اقدام قانونی در برابر نقض برجام از سوی آنها اقدامات عاجل و مقتضی را انجام دهند.

9. برای مواجهه با تهدیدهای فزاینده دشمنان انقلاب اسلامی، حق پدافند هسته ای برای حفاظت و پیشگیری از آسیب ها در برابر حملات و تروریسم هسته ای بدون هیچگونه محدودیتی پیگیری شده و اقدامات عملی در خصوص کسب توانمندی آن حاصل شود.

10. با عنایت به فرصت سیاسی فراهم شده برای جمهوری اسلامی ایران می‌بایست دفاع انقلابی از هم‌پیمانان منطقه‌ای استمرار یابد، توسعه روابط با کشورهای مسلمان و همسایه دنبال شود و توسعه ارتباط با کشورهای که سابقه خیانت به کشورمان را ندارند، پیگیری شود."

به دنبال آن مجلس مصوبه ای را به شرح زیر را تصویب کرد:
اقدام متناسب و متقابل دولت جمهوری اسلامی ایران
در اجرای برجام

ماده واحده- دولت در چهارچوب مصوبات شورای عالی امنیت ملی در صورتی می‌تواند به شکل داوطلبانه برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) را اجراء کند که احکام و تکالیف زیر را در فرآیند اجراء رعایت نماید:

1- براساس فتوای رهبر معظم انقلاب اسلامی هیچ دولتی در ایران حق تولید و به کارگیری سلاح هسته‌ای را ندارد و دولت موظف است سیاست خلع سلاح هسته‌ای جهانی را به طور فعال دنبال کند و در کلیه تلاشهای بین‌المللی، حقوقی و دیپلماتیک برای نجات بشریت از خطر سلاحهای هسته‌ای و اشاعه آنها، از جمله از طریق ایجاد مناطق عاری از سلاحهای کشتار جمعی به‌ویژه در ایجاد ائتلاف منطقه‌ای خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای به‌خصوص در زمینه خلع سلاح هسته‌ای رژیم صهیونیستی فعالانه مشارکت نماید.

2- پایه برنامه جامع اقدام مشترک بر همکاری و احترام متقابل قرار دارد و هرگونه اقدام مبتنی بر فشار و تهدید به هر بهانه‌ای به‌خاطر اجرای برجام و یا غیر آن با تشخیص شورای عالی امنیت ملی موجب تجدیدنظر در این همکاری می‌شود و لازم است در آن صورت مطابق مصوبات این شورا اقدامات متقابل در نظر گرفته شود.

3- دولت موظف است هرگونه عدم پایداری طرف مقابل در زمینه لغو مؤثر تحریم‌ها یا بازگرداندن تحریم‌های لغوشده و یا وضع تحریم تحت هر عنوان دیگر را به دقت رصد کند و اقدامات متقابل در جهت احقاق حقوق ملت ایران انجام دهد و همکاری داوطلبانه را متوقف نماید و توسعه سریع برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز جمهوری اسلامی ایران را سامان دهد به طوری که ظرف مدت دو سال ظرفیت غنی‌سازی کشور به یکصد و نود هزار سو افزایش یابد. شورای عالی امنیت ملی مرجع رسیدگی به این موضوع می‌باشد. دولت باید ظرف مدت چهار ماه برنامه خود را برای این منظور جهت تصویب به شورای عالی امنیت ملی ارائه نماید.

4- دولت موظف است برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را با چشم‌انداز تجاری- صنعتی، از جمله در حوزه غنی‌سازی و تحقیق و توسعه منطبق با طرح درازمدت سازمان انرژی اتمی کشور دنبال کند. سازمان انرژی اتمی کشور باید طرح درازمدت پانزده‌ساله کشور در حوزه غنی‌سازی و تحقیق و توسعه را حداکثر ظرف مدت دوماه پس از ابلاغ این قانون به تصویب شورای عالی امنیت ملی برساند و به اژانس بین‌المللی انرژی اتمی ارائه کند به نحوی که پاسخگوی نیاز کشور برای سوخت راکتورهای قدرت و تحقیقاتی باشد.

5- بازطراحی راکتور آب سنگین اراک و همچنین در صورت ضرورت تبادل ذخایر غنی‌شده، منوط به انعقاد قراردادهای قطعی و مطمئن جایگزین و حصول اطمینان نسبت به اجرای آنها باشد.

6- نظارت‌های اژانس بین‌المللی انرژی اتمی در چهارچوب مقررات بین‌المللی و با رعایت مصالح امنیت ملی کشور که شورای عالی امنیت ملی مشخص می‌کند، انجام پذیرد و دولت باید مراقبت کند که در مسیر اجرای برجام و پس از آن، حفاظت کامل از اسرار و اطلاعات طبقه‌بندی‌شده به‌ویژه در حوزه نظامی و امنیتی صورت گیرد. میزان همکاری با اژانس منوط به اقدامات احتیاطی لازم برای تضمین این امر، توسط اژانس است. همچنین هیچ‌گونه دسترسی نظارتی اژانس به مراکز نظامی و اشخاص حقیقی به بهانه برجام مجاز نمی‌باشد مگر آنکه موارد به‌صورت جداگانه و با جزئیات به تصویب شورای عالی امنیت ملی برسد.

7- دولت و قوای مسلح کشور موظفند به منظور حراست از امنیت و منافع ملی کشور و حمایت از متحدان در مقابله با تروریسم، تدابیر لازم را نسبت به تقویت توانمندی‌های دفاعی جمهوری اسلامی ایران در همه زمینه‌های آفندی و پدافندی از جمله هوایی، دریایی، زمینی، موشکی و ایجاد پدافند در مقابل حملات هسته‌ای و ساخت پیش‌ران‌ها، باطری‌های هسته‌ای، تصویربرداری نوترونی و پزشکی هسته‌ای با قوت و جدیت برنامه‌ریزی و اقدام کنند.

8- دولت و سایر دستگاه‌های حاکمیتی و عمومی موظفند در چهارچوب مصوبات شورای عالی امنیت ملی تدابیر لازم را در نظر بگیرند تا در اثر اجرائی شدن برجام به هیچ‌وجه اجازه فرصت‌طلبی و سوءاستفاده در داخل کشور به امریکا یا دیگر دولتهای خارجی داده نشود و فرصتی برای نفوذ یا سوءاستفاده سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی در اختیار استکبار جهانی قرار نگیرد.

9- دولت موظف است منابع مالی آزادشده را در چهارچوب قوانین و در جهت تحقق اقتصاد مقاومتی و رونق تولید، سرمایه‌گذاری‌های ضروری و با اولویت نیازهای بخش خصوصی و تقویت صندوق توسعه ملی، صرف کند.

تبصره 1- وزیر امور خارجه موظف است روند اجرای توافقنامه را هر سه ماه یک‌بار به کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی گزارش دهد.

کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی موظف است هر شش ماه یک‌بار گزارش اجرای برجام را به صحن علنی مجلس شورای اسلامی ارائه کند.

تبصره 2- با اجرای این قانون، «قانون الزام دولت به تعلیق اقدامات داوطلبانه در صورت ارجاع و یا گزارش روند هسته‌ای به شورای امنیت» مصوب 1384/9/1، «قانون الزام دولت به تجدیدنظر در همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» مصوب 1385/10/6، «قانون صیانت از دستاوردهای صلح‌آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران» مصوب 1389/4/29 و «قانون الزام دولت به حفظ دستاوردها و حقوق هسته‌ای ملت ایران» مصوب 1394/4/2 لغو می‌شود.

هرچند این مصوبه حواشی مختلفی داشت، اما نامه مقام معظم رهبری موضوع را فیصله داد و برجام وارد فاز اجرایی شد. همانگونه که پیش بینی می شد طرف مقابل بد اخلاقی‌ها و خلف وعده‌های خود را شروع کرد. حال در کلیه مراحل، حداقل تکلیف ما با خودمان روشن است و مردم بطور کامل در جریان ما وقع قرار گرفته‌اند. در بند 3 مصوبه که مورد تأکید مقام معظم رهبری نیز قرار گرفت به صراحت دولت موظف شده است تا هرگونه عدم پایبندی طرف مقابل در زمینه لغو مؤثر تحریم‌ها یا بازگرداندن تحریم‌های لغوشده و یا وضع تحریم تحت هر عنوان دیگر را به دقت رصد کند و اقدامات متقابل در جهت احقاق حقوق ملت ایران انجام دهد و همکاری داوطلبانه را متوقف نماید و توسعه سریع برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز جمهوری اسلامی ایران را سامان دهد به طوری که ظرف مدت دو سال ظرفیت غنی‌سازی کشور به یکصد و نود هزار سو افزایش یابد.

بنابراین به لحاظ حقوقی، نقض توسط طرف مقابل به آنها زمینه تحرک‌های جدید را نمی‌دهد.

سایر طرح‌ها و لوایح و ابعاد نظارتی

آنچه گفته شد به معنای این نبود که در موضوعات حساس و مهم دیگر ورود نشود. مسائل مهم دیپلماسی خارجی، تغییر گفتمان و عزت و موفقیت کشور در آن عرصه، تنظیم منطقی تر بودجه‌های سالانه، مراقبت از تصمیماتی که باعث اضرار به مردم یا صدمه به بیت المال می شود، اظهار نظرهای رسمی و غیر رسمی در مورد یکایک طرح‌ها و لوایح مطرح در مجلس و تذکرها و سؤال از وزرا یا مشارکت در تصویب تحقیق و تفحص‌ها از جمله این اقدامات است که برای رعایت اختصار از تفصیل آنها می‌گذرم.

شرایط متفاوت، برخی اقدامات جدید

در آستانه مجلس هشتم دغدغه‌های مردم تغییر کرده بود. مردم به دنبال مسائل سال 83 نبودند، بلکه موضوعات دیگری را مطرح می‌ساختند. همانطور که قبلاً اشاره کردم، حتی یک مورد گفته نشد که از کجا بدانیم درست عمل خواهید کرد.

از مهمترین مسائل این مقطع اصلاح نظام اقتصادی، عدم ثبات اقتصادی، ضرورت توسعه پوشش‌های حمایتی و موضوع جوانان و مردم متقاضی کار بود.

در دو دوره بعدی، ضمن تداوم پیگیریهای قبلی و توسعه حمایت از محرومان مانند بیمه قالیبافان، بیمه کارگران ساختمانی، حمایت از مشاغل خانگی، توسعه بیمه درمانی و نظایر آن، باید نسخه درستی برای مدیریت صحیح منابع انسانی از یک سو، و اصلاح ساختارهای مختلف اقتصادی تهیه می شد تا در دوره های نه چندان طولانی، اقتصاد کشور به ثبات برسد. ثبات، ضمن ایجاد آرامش روحی و روانی در جامعه، ریسک سرمایه گذاری را کاهش داده و زمینه را برای اشتغال مولد فراهم می سازد. هفت محور تحول اقتصادی دولت‌های نهم و دهم، زمینه را برای اعمال رویکردهای جدید اقتصادی هموار می ساخت. حساس ترین محور هدفمند سازی یارانه ها بود که با اصلاح نظام یارانه ای از "یارانه باز" به "یارانه هدفمند"، می توانست زمینه را برای برخی از تحولات دیگر مانند واقعی شدن قیمت‌ها، رقابتی شدن بازار، ارتقاء کیفیت کالاها و خدمات، در نهایت ثبات اقتصادی و رونق و شکوفایی آن به دنبال داشته باشد.

این مسیر نیز مانند خدمات کشوری، فراز و نشیب‌های فراوانی داشت و عنایات خداوند متعال، توجهات حضرت ولی عصر و دعای خیر دوستان و همفکران این زمینه را فراهم ساخت تا در حل مسائل و مشکلات این مسیر نیز گام‌های مؤثر و مثبتی برداشته شود. در اجرای این طرح، آنچه مهم است، آن است که کار با کمترین هزینه و بیشترین دستاورد پیش رود. گاه دولت همراهی مؤثری داشت و گاهی همکاری نکرد. از جمله اصرار دولت به اصلاح شدید قیمت‌ها به منظور تأمین منابع باز توزیع و جبران در گام اول بود که اینجانب با آن موافق نبوده و نیستم، اما برای موفقیت دولت دعا می کردم تا کار با کمترین هزینه و فشار بر مردم پیش رود و بخش‌های مختلف اقتصادی (مانند تولید کشاورزی و صنعتی) و خدماتی (مانند حمل و نقل) دچار مشکل نشود.

4- اقدامات خاص:

- تأثیر گذاری در حرکت مجلس به سمت ایده های راهبردی
- تشکیل فراکسیون توسعه روستایی و کشاورزی در مجلس هفتم (سال 1383) و ادامه ان در مجلس نهم
- طرح موضوعات مختلف برای اولین بار در مجلس (مانند قانون اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری، اصلاح قانون برنامه چهارم که توضیح آن گذشت، بیمه قالی بافان و شاغلان صنایع دستی، ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی، اتخاذ ترتیبات مناسب در ورزش، ساماندهی حقوق بازنشستگان و حمایت از بیکاران متقاضی کار، طرح حمایت از عمران مساجد، حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، قانون تسریع در باز سازی مناطق آسیب دیده در اثر حوادث غیر مترقبه، همچنین موارد مهمی مانند نهایی شدن و ابلاغ قانون جامع ایثارگران از جمله مواردی است که در مجلس پیگیری شد.
البته موارد محدود به صحن علنی نیست. در بسیاری از موارد موضوع در کمیسیونها مطرح شده و سپس نهایی می گردد. مانند بیمه رانندگان تاکسی و بیمه باربران، بیمه همگانی سلامت، حمایت از بانوان شاغل و غیر شاغل، اصلاح رابطه یک سویه دولت با اصناف و حمایت از اصناف در قبال تهاجم بی رویه سازمان امور مالیاتی، داشتن سناریوهای مختلف در سیاست خارجی و موارد مهم دیگر.

محدودیت‌های نمایندگی مجلس

برخی محدودیتها نیز وجود دارد:

1- عمران شهری و انتظارات: ضمن آن که باید از دوستان شوراها و شهرداران شهرهای حوزه انتخابیه که در طول دوره گذشته حداکثر همکاری را داشتند سپاسگزاری شود، با توجه به این که براساس قانون هرگونه اقدام در زمینه عمران شهری، از اختیارات شوراها شهر و شهرداران ارجمند است، در برخی از موارد بطور مستقیم امکان برآورده ساختن خواسته های شهروندان و اهالی محلات مختلف نیست و موارد به مسؤولان یاد شده منعکس شده و پیگیری می گردد. اما مردم بطور

ویژه از نمایندگان مجلس انتظار دارند که اقدام نمایند. در ابتدای هر دوره شوراهای اسلامی، ضمن تبریک، پیشنهادهایی را به منتخبان مردم تقدیم داشته ام.

- 2- ضعفهای برخی از مجریان: در کنار نقاط قوت فراوان، برخی ضعفها نیز در ارتباط با اقدامات اجرایی دستگاههای مختلف وجود داشته و دارد. با توجه به این که اختیارات اجرایی از اختیارات نمایندگان مجلس نیست و مسؤولیت مستقیمی نسبت بدانها ندارند، برخی از مردم و حتی مسؤولان دستگاهها از نمایندگان مجلس انتظارات گسترده ای در زمینه های اجرایی دارند.
- 3- نماینده ای که بخواهد به تمامی و یا اکثر انتظارات توجه نماید، باید متحمل فشار طاقت فرسایی شود که علاوه بر خود، خانواده و فرزندان و اطرافیان وی را نیز تحت تأثیر قرار می دهد. به همین دلیل خانواده نمایندگان که در انجام وظائف نمایندگی مجلس می کوشند، رضایت چندانی از کاندیدا شدن آنان ندارند.
- 4- ترکیب نمایندگان مجلس در هر استان نیز مهم است. میزان همگرایی در برخی امور تقنینی و پیگیریهای استانی مؤثر است. البته این مهم برعهده مردم است که تصمیم گیران اصلی هستند.

رویکرد آتی

در کنار پیگیری جدی تداوم اقدامات یاد شده، باید کارهای جدیدی نیز صورت پذیرد. مانند:

- طراحی و پیگیری تصویب الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و عدالت
- کاهش حجم دولت و تصدیگری های دولتی
- ثبات اقتصادی و رهایی مردم از گرفتاریهای حاصل از نوسانات نرخ تورم
- روان سازی تولید (صنعت و کشاورزی) و حل مشکلات اساسی آنها
- تثبیت و توسعه پوششهای حمایتی
- ترسیم فرایند روشنی برای جوانان (اشتغال، مسکن، و ازدواج)
- واداشتن بخشهای مختلف به طراحی راهبردهای خود
- حرکت به سمت توسعه کامل عمرانی و رفاهی

در پایان

رعایت اختصار اقتضاء می کرد که بسیاری از مطالب ذکر نشود و همین گونه نیز شد. ساعتی متمادی فایل های تصویری و صوتی از مذاکرات صحن و کمیسیونها وجود دارد که ذکر بخشی از آنها نیز مجموعه را دهها برابر می کرد، سرکشیها، جلسات مختلف دیگر، اقدامات، مکاتبات و پیگیریها هم جای خود دارند. تا زمان انتشار این مختصر، از دفتر تبریز، بیش از 65 هزار نامه صادر شده است. همچنین برای بررسی مواضع 12 ساله در زمینه های مختلف توصیه می کنم به وبسایت

<http://www.dr-farhangi.com>

مراجعه شود.

اگر از برخی عبارات بوی خودستایی به مشام می رسید، پوزش می خواهم. اینها که گفته شد برای جلب نظر کسی نبود. برای همان اهدافی بود که در ابتدا گفتم. ضمن آن که اعتراف می کنم غفلتها و کاستیهای فراوانی دارم که از آنها چیزی نگفتم و جای آنها در این مقال نبود. از برخی تلخیها و خون دلها و گلایه ها هم گذشتم تا این نوشتار کسی را ملول نسازد و سعی می کنم همیشه نگاه مثبت داشته باشم. برای همه دعا می کنم و می خواهم این قاصر مقصر را در دعاهایتان فراموش نکنید.

امیدوارم همواره در مسیر رضای خداوند و تداوم راه امام راحل (ره) و شهدا حرکت نموده و مراقب حرمت و جایگاه رهبری و ولایت فقیه باشم و بتوانم نقش کوچکی در مسیر مدیریت صحیح منابع کشور و توسعه همه جانبه و متوازن آن، با اولویت حل مسائل محرومان و مشکلات مناطق محروم، داشته باشم.

این سخن را همیشه تکرار، و برای رسیدن بدان تلاش می کنم:
امیدوارم کشورمان به جایگاهی برسد که ملت عزیز و قدرشناس ما در هر جا که هستند، به پیشرفتهای کشورشان و مدیریت مدیران خود افتخار کنند و در برابر ملت‌های دیگر سربلند باشند.
اعتقاد راسخ دارم که در این مسیر حرکت کرده ایم و تحقق کامل آن، دور از دسترس نیست.